



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

DOI: 10.22067/social.2023.83122.1369

مقاله پژوهشی

نظریه زمینه‌ای پیرامون اقدام به تکرار قاچاق موادمخدر (مورد مطالعه: زندانیان زندان مرکزی کرمان زمستان ۱۴۰۰)

بتول صیفوری (استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

batool.seifoori@pnu.ac.ir

احمد دهقانی قناتگستانی (دانش آموخته دکتری علوم سیاسی-سیاست‌گذاری عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

ahmad_ikvu@yahoo.com

چکیده

هدف این مطالعه دسترسی به نظریه زمینه‌ای^۱ درباره تکرار قاچاق موادمخدر براساس عمیق‌ترین درک ممکن کنشگران از این پدیده اجتماعی است. در مطالعه حاضر ابعاد مختلف تکرار جرم در پارادایم تفسیری با استفاده از رویکرد کیفی و با روش نظریه زمینه‌ای حاصل شد. زندانیانی که قبلاً به جرم قاچاق موادمخدر محکوم شده‌اند، اما باز جرم خود را تکرار کرده و دستگیر شده‌اند، جمعیت هدف این تحقیق بودند که ۳۴ نفر از زنان و مردان زندانی در زندان مرکزی شهر کرمان بودند و با روش هدفمند انتخاب شدند. یافته‌های حاصل شامل ۱۲۰ کد اولیه، ۱۵ طبقه میانی و چهار طبقه اصلی است که می‌توان براساس آن‌ها به تفسیر تکرار جرم زندانیان کرمان پرداخت. این طبقات عبارت‌اند از: ۱. تکرار جرم به‌مثابه کنش عقلانی؛ ۲. تکرار جرم به‌مثابه کنش اجتماعی؛ ۳. تکرار جرم به‌مثابه کنش کمال‌گرایانه؛ ۴. تکرار جرم به‌مثابه کنش اجتناب‌ناپذیر. مقوله مرکزی این پژوهش «تکرار جرم به‌مثابه بن‌بستی برای جبران زندگی ازدست‌رفته» است که با شرایط علی و ویژگی‌های فردی، الگوی رفتاری مجرمانه، طبقه اجتماعی و سرگذشتگی زنان، در

1. Grounded Theory

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیستم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۲، شماره پیاپی ۴۴ صص ۲۵۷-۳۰۴

تاریخ تصویب: ۱۴۰۲/۰۶/۰۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۴

شرایط زمینه‌ای الگوی رفتاری تحقیرآمیز و بی‌اعتمادی، مشکلات اقتصادی، نبود فرصت کاهش جرم در جامعه و الگوی رفتاری انگ‌زنی با مداخله باورهای کمال‌گرایانه، روابط زناشویی و شالوده‌شکنی دینی و استراتژی‌های الگوی رفتاری عدالت‌محور، زیرساخت‌های حمایتی شکل گرفته و به پیامدهای تشدید بحران هویت و طرد اجتماعی و بدبینی منجر شده است.

کلیدواژه‌ها: نظریه زمینه‌ای، تکرار جرم، قاچاق موادمخدر، جبران زندگی از دست‌رفته.

۱. مقدمه

تغییر اجتماعی فرایندی از جایگزینی کمی و کیفی پدیده‌های اجتماعی است که ممکن است با برنامه یا بی‌برنامه باشد. همچنین تغییر ممکن است پیش‌رونده یا واپس‌گرا باشد (واگو، ۱۳۷۳، ص. ۱۳). یکی از پدیده‌هایی که در بستر اجتماعی مدام در حال تغییر است، پدیده قاچاق موادمخدر است که از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که ریشه اخلاق را در جامعه می‌سوزاند؛ ره‌آورد فساد است و هر نوع تغییر کمی و کیفی در این پدیده اجتماعی به نابودی جامعه منجر می‌شود. همگام با تغییرات اجتماعی؛ قاچاق موادمخدر نیز دستخوش تغییرات زیادی شده است هم در شیوه حمل، توزیع و فروش و هم در نوع موادمخدر که تنوع و تعدد انواع موادمخدر و روش‌های نوین قاچاق موادمخدر، جوامع را به سوی تخدیر بیشتر، جرائم سازمان‌یافته جدید و نابودی سوق می‌دهد. قاچاق موادمخدر^۱ یا تجارت مواد دارویی غیرقانونی^۲ یک بازار سیاه جهانی است که شامل کشت، تولید، توزیع و فروش موادمخدر می‌شود (ویکی‌پدیا^۳)؛ به عبارت دیگر، قاچاق موادمخدر^۴ یعنی ورود همه مواد طبیعی و شیمیایی اعتیادآور که به کشور ممنوع و یا ورودش به کشور مجاز باشد، اما از راه‌های غیرقانونی وارد کشور شده یا

-
1. Drug dealing
 2. Illegal drug trade
 3. <https://fa.wikipedia.org/>
 4. Drug dealing

از آن خارج شود. برخی از این مواد تخدیرکننده نیست؛ بلکه ممکن است تحرک و توهم ایجاد کند. فردی را که مرتکب قاچاق می‌شود، قاچاقچی یا سوداگر می‌نامند (بهری، ۱۳۹۸، ص. ۳۲۵).

از اهداف توسعه پایدار دستیابی به آینده‌ای بهتر و پایدارتر برای همگان است. این آرمان‌ها به چالش‌هایی در سطح جهان پاسخ می‌دهند که با آن‌ها روبه‌رو هستیم. یکی از چالش‌های جهانی قاچاق موادمخدر است که دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد^۱ برای مبارزه و پیشگیری از این معضل با جمهوری اسلامی ایران برنامه مشارکت کشوری دارد. این برنامه در نظر دارد همکاری بین دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد و ایران درباره موضوعات موادمخدر، جرم، عدالت کیفری بین‌المللی، فساد و معیشت جایگزین را با ارتقای استانداردها و اقدامات برتر سازمان ملل متحد و همچنین تسهیل همکاری دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی، مستحکم کند. دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد از طریق برنامه همکاری کشوری، از تلاش‌های سازمان‌های کشوری در پرداختن به چالش‌های مربوط به موادمخدر حمایت خواهد کرد. طبق آمار رسمی سازمان ملل در زمینه کشفیات موادمخدر قاچاق، ایران رتبه اول دنیا شامل ۹۲ درصد کشفیات تریاک، ۵۹ درصد کشفیات مرفین و ۲۷ درصد کشفیات هروئین جهان را به خود اختصاص داده است و حدود ۷۴ درصد کشفیات در استان‌های خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان، هرمزگان، فارس، کرمان و یزد است (دفتر مقابله با موادمخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۴۰۲).

جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با این قبیل مسائل به تدوین قوانین خاصی اقدام کرده است که مهم‌ترین آن قانون مبارزه با موادمخدر مصوب ۱۳۷۶ و اصلاحات بعدی در سال ۱۳۹۶ است. موادمخدر سنگین^۲ براساس ماده ۸ قانون مبارزه با موادمخدر، هروئین، مرفین،

1. United Nations Office on Drugs and Crime (UNODC)
2. Dangerous drugs

کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین، کوکائین، شیشه، کریستال، اسید دی اتیل آمید (ال.اس.دی.) یا دیگر موادمخدر یا روان‌گردان‌های صنعتی غیردارویی موادمخدر سنگین محسوب می‌شود. همچنین هرکس که بیش از سی گرم از مواد مذکور را وارد کشور کند یا به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید یا فروش مبادرت کند یا در معرض فروش قرار دهد یا نگهداری، مخفی یا حمل کند، به اعدام محکوم می‌شود و مصادره اموال ناشی از همان جرم است (قانون مبارزه با موادمخدر، ۱۳۹۶). قاچاق سنگین موادمخدر توسط افرادی که قبلاً همین جرم را مرتکب شده و به خاطر آن مجازات شدند، تکرار جرم نام دارد. تکرار جرم^۱ از اصطلاحات علم حقوق بوده و به معنای دوباره مرتکب شدن جرم است. تکرار جرم یکی از کیفیات تشدید مجازات محسوب می‌شود و مبنای این تشدید، وجود حالت خطرناک در شخص است (گارو، ۱۳۹۹، ص. ۳۸۱).

با توضیحات مذکور مسلم است که اقدام به قاچاق موادمخدر صنعتی و روان‌گردان، مجازات سنگین‌تری را در پی خواهد داشت. استان کرمان ترانزیت موادمخدر است و این شرایط شاید افراد بیشتری را تحریک به قاچاق موادمخدر کند. در زندان مرکزی کرمان زندانیان زیادی وجود دارند که برای چندمین بار دستگیر شده‌اند، اما مسئله این پژوهش، وجود زندانیانی است که جرم آنان قاچاق سنگین موادمخدر است و بیش از یک بار دستگیر شده‌اند.^۲ نکته درخور توجه اینکه آنان در دفعات قبل حتی تا حکم اعدام پیشرفته‌اند و با احکام سنگین مدت‌ها حبس را تحمل کرده‌اند، اما باز هم دست به جرم سنگین و مشابه زده‌اند. زندانیانی که در عمل بازی مرگ می‌کنند و بارها این جرم پرخطر را تکرار می‌کنند، کنشگران مجرمی که یک بار دستگیر شده‌اند، سختی‌های زیادی را تحمل کرده‌اند و به خودشان، جامعه و نهادهای برقرارکننده نظم در جامعه تعهد داده‌اند که دیگر مرتکب چنین خلافی نشوند. چگونه می‌شود که دوباره همان جرم را حتی سنگین‌تر انجام می‌دهند؟ تفسیر

1. Recidivism-repeated crime

۲. به جدول ۱ مراجعه شود.

ذهن آنان از این کنش اجتماعی چیست؟ چرا این کنشگران تا این حد ریسک‌پذیر می‌شوند؟ چه توجیهی برای آنان در زمان ارتکاب جرم وجود دارد که خود را دوباره در منجلاب نیستی می‌اندازند؟ در این تحقیق، کشف درک و تفسیر کنشگران از تکرار جرم قاچاق سنگین موادمخدر مدنظر است و اینکه چه مفاهیمی در ذهن آنان است که آن‌ها را وادار می‌کند برای دومین یا چندمین بار همان جرم را حتی برای چند بار تکرار کنند. تفسیر ذهن کنشگرانی که جرم خود را تکرار می‌کنند، در قالب مقولاتی که از طریق روش نظریه مبنایی حاصل می‌شود، از اهداف این تحقیق است. پرسش کلی پژوهش حاضر این است که درک و تفسیر مجرمین از تکرار جرم چیست و در نهایت ساخت یک نظریه حاصل آن است.

۲. حساسیت نظری

تکرار جرم موضوعی است که امروزه ذهن بسیاری از اندیشمندان اجتماعی را به خود مشغول کرده و آن را به حوزه علوم اجتماعی کشانده است. با طرح نظریه‌های مربوط به آسیب‌شناسی اجتماعی و انحرافات اجتماعی می‌توان گفت، محقق با داشتن زمینه اطلاعاتی درباره متون و نوشته‌های تخصصی به پژوهش کردن روی آورده است (چارمز، ۱۳۹۷، ص. ۶۷). مطالعه نظریه‌های آسیب‌شناسی اجتماعی توانسته است حساسیت نظری محقق را درباره تکرار جرم برانگیزد.

نظریه‌پردازان بی‌سازمانی اجتماعی بر این باورند که عواملی چون کاهش کارایی نهادهای اجتماعی نظیر خانواده و تضعیف تقیدهای خویشاوندی به‌عنوان نیروهای غیررسمی کنترل اجتماعی، کاهش انسجام سنتی اجتماعی که پیامد رشد سریع صنعتی شدن، شهرنشینی و مهاجرت فزاینده به‌سوی حوزه‌های شهری است، جرمی نظیر قتل، سرقت، انحرافات جنسی و اعتیاد را افزایش می‌دهند (احمدی، ۱۳۹۸، ص. ۴۳).

بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی، رفتار انحرافی آموختنی است و در فرایند رابطه با افراد دیگر، به‌خصوص در گروه‌های کوچک آموخته می‌شود. در نظریه هم‌نشینی افتراقی

ساترلند^۱، رفتار انحرافی موروثی و ذاتی نیست و به همان روشی یاد گرفته می‌شود که رفتار دیگری آموخته می‌شود. در فرایند یادگیری، معاشران فرد قواعد حقوقی را به‌عنوان امور مناسب یا نامناسب تعریف می‌کنند و فرد این تعاریف را از آنان فرامی‌گیرد. شخص به دلیل اینکه در معرض تعاریفی قرار می‌گیرد که قانون‌شکنی را بر احترام به قانون ترجیح می‌دهد، بزهکار یا جنایتکار می‌شود. بدیهی است که همه مردم با این‌گونه تعریف برخورد دارند، اما مسئله اساسی میزان برخورد است (کی‌نیا، ۱۳۹۶، ص. ۸۶).

نظریه کنش متقابل اجتماعی جرج هربرت مید^۲ به‌طور عام در تلاش برای پاسخ به این سؤالات است: چگونه فرد خود را ارزیابی می‌کند؟ و چگونه این ارزیابی با تعاریف دیگران هم‌نوا می‌شود؟ ارزیابی‌های منفی از هویت اجتماعی فرد ممکن است پاسخ رفتار بزهکاران و مجرمانه فردی را به همراه داشته باشد؛ بنابراین محرک‌های بیرونی و واکنش‌های رسمی و غیررسمی به بزهکاران و مجرمان می‌تواند بر هویت آنان تأثیر بگذارد و نگرش آنان را به رفتار بزهکاران و مجرمانه تغییر دهد (احمدی، ۱۳۹۸، صص. ۴۵-۴۹).

نظریه «تقلید» بیان می‌کند که مردم مجرم به دنیا نمی‌آیند؛ بلکه مجرم می‌شوند و چالز هورتون کولی^۳ به چگونگی شکل یافتن تصور از خود اهمیت می‌دهد و در شکل‌گیری «تصور از خود» به عنوان فردی بزهکار یا مجرم، جامعه و نهادها و سازمان‌های رسمی نقش اساسی دارند. نظریه برچسب‌زنی هوارد ساول بکر^۴ بیان می‌کند که فرد پس از «برچسب» خوردن تغییر هویت می‌دهد و خصیصه‌های همان برچسب را به خود می‌گیرد. در نظریه خنثی‌سازی ماتزا^۵، استفاده از فنون خنثی‌سازی جوانان، جوانان طبقات پایین را قادر می‌سازد بدون اینکه احساس تقصیر کنند، خارج از چهارچوب اخلاق و قانون عمل کنند (احمدی، ۱۳۹۸، ص. ۴۲). گیدنز بازانندیشی را فرایند تعریف و بازتعریف خود از طریق مشاهده و

1. Saterland
2. George Herbert Mead
3. Charles Horton Cooley
4. Hrrrr d Sill ee ssssss Labeling Theory
5. aa dddaa zz'N Nèiiiiii iii om Teerry

تأمل در اطاعات درباره مسیرهای ممکن زندگی می‌داند که مکانیسم آن در فرهنگ سنتی و مدرن متفاوت است (ریتزر، ۱۴۰۰، ص. ۷۳۵).

پیش‌فرض اساسی نظریه پدیدارشناسی^۱ این است که انحراف اجتماعی فرآورده روابط و کنش‌های متقابل اعمال و کردار معنادار افراد جامعه است؛ بنابراین برای شناخت و درک آن باید تصویری را که پدیدآورندگان آن در نظر دارند، با درون‌فهمی درک و تفسیر کرد (صدیق سروستانی، ۱۴۰۱، ص. ۱۰۶). پدیدارشناسان به دنبال معنایی هستند که در فراسوی رفتار انحرافی قرار دارد و بخش عمده‌ای از این معنا از طریق ملاحظه عمل مجرمانه از نظرگاه مجرم درک‌شدنی است (سلیمی و داوری، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۷).

در مبحث نظری مربوط به «تصور از خود»، «انگ»، «کنش متقابل اجتماعی»، «تقلید»، «هم‌نشینی»، «بی‌سازمانی اجتماعی»، «استفاده از فنون خنثی‌سازی» این حساسیت شکل گرفته است که افراد در نتیجه مراداتی که در جامعه داشته‌اند، به سمت تکرار جرم سوق یافته‌اند و این گرایش نمی‌تواند میل صرفاً درونی باشد. همچنین برحسب خصلت «بازاندیشی خود»، افراد در برابر اوضاع اجتماعی منفعل نیستند؛ بنابراین این سؤال برای محقق ایجاد شد که چگونه عمل‌ها و عکس‌العمل‌های موجود در موقعیت، تکرار جرم مشارکت‌کننده را شکل بخشیده است. همچنین در جامعه مطالعه‌شده چه شرایطی بر کنشگران تأثیر گذاشته است که برای تکرار جرم تا حد مرگ خود را به مخاطره می‌اندازند؟ به این ترتیب مفاهیم مذکور حاکی از آن بوده که تکرار جرم حامل معنایی است که در بستر اجتماعی و در شرایط خاص ساخته می‌شود. این سؤال که «بسترهای اجتماعی و شرایط درمورد جمعیت هدف چگونه عمل می‌کنند؟» سؤال محوری است که محقق با تمرکز بر آن به میدان پژوهش گام نهاده است.

۲.۱. پیشینه تحقیق

حساسیت نظری به این خصوصیات گفته می‌شود: بصیرت داشتن، مهارت داشتن در معنادار کردن داده‌ها، استعداد درک و قدرت تجزیه و تحلیل عناصر مربوط از عناصر نامربوط. زمانی که قصد انجام تحقیق ایجاد نظریه زمینه‌ای است، نظریه‌های مطرح شده صرفاً برای آشنایی با مبانی نظری موضوع است و اینکه ذهن محقق به موضوع احاطه نظری یابد (اشتراوس و کوربین^۱، ۲۰۰۸، ص. ۴۶). گلیزر و اشتراوس (۱۹۶۷) معتقدند که یک جامعه‌شناس باید به اندازه کافی از لحاظ نظری حساس باشد؛ به نحوی که بتواند نظریه‌ای را که از داده‌ها بیرون می‌آید، مفهوم‌بندی و ترکیب کند. از دیگر کاربردهای نظریه‌ها که اشتراوس و کوربین از آن‌ها به عنوان منبعی برای مقایسه داده‌ها استفاده می‌کنند، افزایش حساسیت به تفاوت‌های ظریف داده‌ها، کمک به طراحی پرسش‌های اولیه مصاحبه یا مشاهده است و همچنین بینش دادن به محقق در مورد اینکه کجا به دنبال مفاهیم بگردد (محمدپور، ۱۳۹۷، ص. ۵۳). مروری بر مطالعات پیشین خدمتی است در راستای حساسیت نظری که یک ویژگی نظریه زمینه‌ای است. در مرور تحقیقات پیشین، مطالعات داخلی و خارجی بررسی می‌شود.

احمدی و اهرن (۱۳۹۹) در تحقیقی توصیفی-تحلیلی به تحلیل عناصر و عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری پدیده قاچاق موادمخدر در استان سیستان و بلوچستان با نگرش سیستمی پرداختند. کیهانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی توصیفی از نوع پیمایشی به علل و عوامل وقوع قاچاق موادمخدر در بین محکومان شهرستان‌های اندیمشک و دزفول پرداختند. افضل‌ی و همکاران (۱۳۹۸)، سپاهی (۱۳۹۶) و سلطانی و همکاران (۱۳۹۴) هرکدام در پژوهشی با روش پیمایشی جداگانه به چالش‌ها و ظرفیت‌های نواحی مرزی شرق کشور در مقابله با قاچاق موادمخدر پرداختند. آنان در این پژوهش‌ها اذعان می‌دارند که نواحی مرزی شرقی ایران با داشتن مرزهای طولانی با افغانستان و پاکستان و نیز به دلیل اینکه

کوتاه‌ترین، باصرفه‌ترین و مهم‌ترین مسیر ترانزیت بین‌المللی موادمخدر از شرق به غرب جهان است، یکی از آسیب‌پذیرترین نواحی در مقابله با قاچاق موادمخدر است. عوامل ژئومورفولوژیک همچون اتصال استان‌های شرقی با دشت لوت، وضعیت اقتصادی نامناسب نواحی مرزی نظیر بیکاری زیاد و فقر و محرومیت شدید، گستردگی و تنوع محیط جغرافیایی مرزهای شرقی، کمبود تجهیزات مراقبت از مرز، غلبه رویکرد امنیتی در مدیریت مرز مهم‌ترین زمینه‌های قاچاق موادمخدر به داخل کشور را فراهم کرده است. سردارنیا و سالاری (۱۳۹۸) در تحقیقی با روش تحقیق تحلیلی-نظری با رویکرد سیستمی، پیشگیری از جرائم در ایران را با تمرکز بر نظریه سیستمی در علوم سیاسی بررسی کردند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که تحقق موفقیت نظام قضایی در پیشگیری از جرائم موادمخدر مستلزم استفاده از سازوکارها و رویکردهای سیستمی و ارتباطی در کنار رویکردهای امنیتی و اقتصادی دیگر است. امیررضا قانع (۱۳۹۸) در تحقیقی پیمایشی با عنوان «نقش نظام زندان‌بانی در پیشگیری از تکرار جرم» و ثباتی (۱۳۹۲) در تحقیقی با روش پیمایش مقطعی با عنوان «سنجش رابطه بین الگوهای رفتاری همسران مجرمین مرد و بازگشت مجدد این مردان به زندان» نتیجه گرفتند که توجه و برنامه‌ریزی نهادهای متولی زندانیان مانند سازمان زندان‌ها، انجمن حمایت از زندانیان و مرکز مراقبت پس از خروج، برای نظارت و تداوم مراقبت و مساعدت در رفع مشکلات متعدد زندانیان پس از خروج می‌تواند از تکرار جرم پیشگیری کرده، آنان را در بازگشت به زندگی سالم و عادی یاری و کمک کند و مداخلات مددکاران اجتماعی شاغل در زندان‌ها می‌تواند بر کاهش آمار بازگشت مجدد زندانیان مؤثر باشد.

کرونج و پیکوک^۱ (۲۰۲۳) در تحقیقی با عنوان «مطالعه تطبیقی عوامل تکرار جرم مرتبط با دسته‌های مختلف جرم در آفریقای جنوبی» در بررسی تفاوت‌های بین تکرارکنندگان جرم، ۲۰۲ نفر را از دسته‌های مختلف متخلف با توجه به متغیرهای شناختی رفتاری، قربانی‌زا،

1. Cronje & Peacock

اجتماعی، محیطی، مصرف مواد و شغل بررسی کردند. پرخاشگری، مشکلات اقتصادی و بافت محلی بینش جدیدی از درک اجتماعی-روان‌شناختی تکرار جرم ارائه می‌کند. ایگلین^۱ (۲۰۱۷) در کتابی با عنوان ایجاد خطر تکرار جرم و بلونینگن^۲ و همکاران (۲۰۱۶) در یک تحقیق کیفی با عنوان «در دسترس بودن و ابزار خدمات برای رسیدگی به عوامل پرخطر تکرار جرم» با ۶۳ نفر از کارشناسان کهنه‌کار دادگستری مصاحبه کردند و اشاره کردند که هرچه اجرای عدالت کیفری در جریان صدور حکم گسترده‌تر باشد، احتمال تکرار جرم کمتر خواهد بود. احمد^۳ (۲۰۱۵) در تحقیقی کیفی با عنوان «زندان، انگ، تبعیض و شخصیت به‌عنوان پیش‌بینی کننده تکرار جرم» از چهار عامل زندان، انگ، تبعیض و شخصیت، فقط سه عامل زندان، انگ و تبعیض را باعث تکرار جرم می‌داند. ابد^۴ و همکاران (۲۰۱۳) نیز در تحقیقی با عنوان «بررسی کیفی انگیزه زنان زندانی سابق و فعلی برای کاهش رفتارهای پرخطر» نتیجه گرفتند که زنان با بازاندیشی در رفتار و حذف خود از شبکه‌های اجتماعی منفی تمایل دارند رفتارهای پرخطر خود را کاهش دهند، اما با موانع تغییر رفتار مثل ترس از تکرار جرم، انگ در زندان بودن و بازگشت به شبکه‌های اجتماعی نامطلوب پس از آزادی مواجه هستند. ویکوف^۵ و همکاران (۲۰۱۲) در یک تحقیقی مقایسه‌ای با عنوان «تکرار جرم در بازگشت مجدد» نتیجه گرفتند، زندانیانی که حمایت مالی شدند و تحصیلات بیشتر از دیپلم داشتند، جرم خود را تکرار نکردند.

مطالعه پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که آن‌ها بیشتر به شکل توصیفی یا کمی انجام گرفته‌اند و به بُعد درونی کنشگران تکرار جرم توجه نشده است، اما در کنار تنگنمایی که پژوهش‌های داخلی دارند، محاسنی را نیز می‌توان برشمرد که به نوعی حساسیت نظری به شمار می‌آید. همچنین این پژوهش‌ها گواه مسئله‌داری تکرار جرم در جامعه حاضر است؛

1. Eaglin
2. Blonigen
3. Ahmed
4. Abad
5. Wikoff

از این رو بر لزوم توجه به این پدیده اجتماعی صحنه می‌گذارد. دیگر اینکه تأکید بر برخی متغیرهای مؤثر بر تکرار جرم، محقق را هنگام انجام مصاحبه‌ها به آن‌ها حساس کرد تا بتواند مکانیسم عمل آن‌ها را در این باره دقیق‌تر دریابد. پژوهش‌های خارجی در دو حوزه مطالعاتی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی هستند که تنها برخی از این مطالعات چارچوب نظری دارند. از محاسن مطالعه پژوهش‌های خارجی که می‌تواند در انجام هرچه بهتر تحقیق حاضر راهگشا باشد، تأکید بر برخی متغیرها، تعاریف مربوط به تکرار جرم، ابعاد آن و شاخص‌های طراحی شده است. پژوهش حاضر با دید جامعه‌شناختی انجام شده و از نوع اکتشافی به شمار می‌آید؛ بنابراین تفاوت‌هایی با پژوهش‌های پیشین دارد که مکمل آن‌ها و دربردارنده ویژگی‌های ممتازی در مقایسه با سایر پژوهش‌ها است.

۳. روش تحقیق

روش کیفی بهترین روش در دستیابی به جهان زندگی افراد در مدت زمانی کوتاه است و فرصتی را برای محقق به منظور کشف مفاهیم در مقایسه با سایر روش‌ها فراهم می‌آورد (اولوکان، ۲۰۰۸، ص. ۲۲). این تحقیق در پارادایم تفسیری با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای یا نظریه مبنایی^۲ انجام شده و با هدف کشف خلأ مفهومی و مدل‌سازی در رابطه با پدیده تکرار جرم به مثابه یک کنش بر مبنای نظریه زمینه‌ای (نسخه کوربین و اشتراوس، ۲۰۰۸) صورت گرفته است. استراتژی نظریه مبنایی با رویکرد کوربین و اشتراوس اجازه می‌دهد تا مطالعه و رای درک ساده از تکرار جرم پیش رود و پیچیدگی‌های پیش روی موضوع را در نظر گیرد و تا دستیابی به تولید نظریه راهگشا باشد.

جمعیت هدف این تحقیق، زندانیان زندان مرکزی کرمان بودند که قبلاً به جرم قاچاق مواد مخدر دستگیر و سپس آزاد شدند، اما دوباره همان جرم را مرتکب شدند؛ بر این اساس، ۳۴ نفر از زنان و مردان زندانی زندان مرکزی کرمان که قبلاً به جرم قاچاق سنگین مواد مخدر

1. Oluokun

2. Grounded Theory

دستگیر شده بودند و دوباره جرم خود را تکرار کردند و به همان جرم دستگیر شدند، مشارکت‌کنندگان در این تحقیق را تشکیل دادند. در پژوهش حاضر دو نوع نمونه‌گیری به کار رفت؛ به این صورت که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، با زندانیانی که بیشترین همکاری را داشتند و اطلاعات بیشتری در اختیار محقق گذاشتند، مصاحبه شد. هنگام انتخاب جمعیت هدف به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنان نیز توجه شد. نمونه‌گیری نظری نیز در سه مرحله انجام گرفت (ایمان، ۱۴۰۰، ص. ۱۶۳). در این تحقیق ابتدا از خلال مصاحبه‌ها مفاهیم استخراج شدند، در مرحله بعد مقوله‌ها از ترکیب مفاهیم و اتصال آن‌ها به یکدیگر استخراج شدند و در مرحله سوم مقوله هسته و مدل پارادایمی به دست آمدند. در هر مرحله از کل مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده نمونه‌گیری شد.

سن، وضعیت تأهل، وضعیت اشتغال، ویژگی‌هایی بودند که هنگام نمونه‌گیری مدنظر محقق بودند. مشارکت‌کنندگان در مصاحبه ۳۴ نفر ۳۰ تا ۶۲ ساله بودند و غیر از سه نفر بقیه متأهل بودند. میزان سواد شرکت‌کنندگان از ابتدایی تا دیپلم بود و بیشتر آن‌ها از طبقات اجتماعی پایین و متوسط پایین بودند. به جز پنج نفر همه دارای فرزند بودند و تعداد دفعات دستگیری آن‌ها از دو تا هفت بار متغیر بود. مواد کشف‌شده از متهمان، هروئین، مورفین، شیشه و کریستال بود (جدول ۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۱. مشخصات مشارکت‌کنندگان

میزان تحویل به‌روز	میزان مواد	واحد مواد*	تعداد سابقه زندان	تعداد فرزندان	وضعیت تأهل				تخصیبات	سن	جنس		کد مصاحبه‌شونده
					مجرد	بدون همسر به دلیل طلاق	بدون همسر به دلیل فوت همسر	همسر دار			زن	مرد	
۳۶۶۰	۱۰۵	گرم	۳	۳				*	ابتدایی	۴۶		*	۱
۴۴۳۸	۷۶۸,۵	کیلوگرم	۷	۳				*	ابتدایی	۶۲		*	۲
۳۶۸۷	۲۷۱,۷	کیلوگرم	۳	۱				*	دیپلم	۵۰		*	۳
۳۴۱۵	۶۱۱,۳۵	کیلوگرم	۲	۰	*				راهنمایی	۴۰		*	۴
۱۹۶۸	۱۶۰	کیلوگرم	۲	۱		*			راهنمایی	۴۱		*	۵
۳۰۴۸	۱۰۸۵	کیلوگرم	۳	۰				*	دیپلم	۳۰		*	۶
۲۶۱۹	۲۱۵	کیلوگرم	۳	۳				*	راهنمایی	۳۹		*	۷
۲۴۵۲	۹۹۲	گرم	۲	۲				*	راهنمایی	۳۴		*	۸
۲۲۳۵	۴۰۶	گرم	۳	۴				*	ابتدایی	۵۱		*	۹
۲۲۲۹	۱۴۴۸	کیلوگرم	۲	۲		*			راهنمایی	۳۹		*	۱۰
۲۲۲۹	۵۹۴	کیلوگرم	۲	۲				*	دیپلم	۴۰		*	۱۱
۱۱۸۹	۱۰۳,۶۵	کیلوگرم	۴	۲	*			*	دیپلم	۴۰		*	۱۲
۱۳۶۲	۱۴۰	کیلوگرم	۲	۲				*	ابتدایی	۴۵		*	۱۳
۱۳۴۴	۱۲۱	گرم	۲	۲				*	راهنمایی	۳۳		*	۱۴
۱۱۲۹	۱,۱۹۵	کیلوگرم	۴	۲				*	دیپلم	۳۳		*	۱۵
۱۰۷۷	۱۵۷	کیلوگرم	۲	۳				*	راهنمایی	۴۷		*	۱۶
۹۵۹	۶۷۰	گرم	۵	۲				*	راهنمایی	۳۴		*	۱۷
۹۳۴	۵۸۲	گرم	۲	۲				*	راهنمایی	۳۸		*	۱۸
۸۹۲	۱۱۲	گرم	۴	۳		*			راهنمایی	۴۰		*	۱۹
۸۲۸	۱۶۰	گرم	۲	۴				*	ابتدایی	۴۰		*	۲۰
۸۲۷	۱۰۶	کیلوگرم	۲	۱				*	راهنمایی	۳۴		*	۲۱

میزان تحمل به روز	میزان مواد	واحد مواد*	تعداد سابقه زندان	تعداد فرزندان	وضعیت تأهل				تحصیلات	سن	جنس		کد مصاحبه‌شونده
					مجرد	بدون همسر به دلیل طلاق	بدون همسر به دلیل فوت همسر	همسر دار			زن	مرد	
۸۱۲	۳۳۳	کیلوگرم	۲	۲				*	راهنمایی	۲۷		*	۲۲
۷۹۸	۳۹۵	کیلوگرم	۲	۲				*	راهنمایی	۳۴		*	۲۳
۷۶۵	۴۰۵۵	کیلوگرم	۳	۲				*	ابتدایی	۶۰		*	۲۴
۱۱۱۶	۱۲۹٫۸	کیلوگرم	۲	۲				*	راهنمایی	۴۵		*	۲۵
۷۵۲	۱۵۷	کیلوگرم	۲	۱				*	راهنمایی	۳۶		*	۲۶
۶۳۰	۲۲۳٫۲۵	کیلوگرم	۳	۲				*	دیپلم	۳۱		*	۲۷
۵۲۸	۱۹۶	گرم	۳	۰	*				راهنمایی	۳۴	*		۲۸
۳۹۲	۵۰۰	گرم	۲	۰		*			راهنمایی	۳۴	*		۲۹
۳۸۶	۱۶۰	کیلوگرم	۲	۲		*			راهنمایی	۳۳	*		۳۰
۳۲۹۳	۱۸۰	گرم	۳	۴				*	ابتدایی	۵۰	*		۳۱
۵۶۰	۷۹۰	گرم	۲	۱				*	راهنمایی	۴۱	*		۳۲
۴۴۷	۳۳۰	گرم	۲	۷		*			ابتدایی	۶۲	*		۳۳
۷۵۶	۵۰۰	گرم	۴	۰				*	راهنمایی	۴۶	*		۳۴

* مواد قاچاق شامل هروئین، مورفین، شیشه و کریستال است.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک مصاحبه عمیق استفاده شد که مشارکت‌کننده می‌تواند به طور طبیعی صحبت کند، فکر کند و واقعیت را سازمان‌دهی کند (نیومن^۱، ۱۹۹۹، ص. ۳۷۲). در پژوهش حاضر هر سه رویکرد مصاحبه کیفی پیشنهادی پاتن^۲ یعنی مصاحبه گفتمانی غیررسمی، رویکرد راهنمای عمومی مصاحبه و مصاحبه باز استاندارد

1. Neuman
2. Patton

استفاده شد (پاتن، ۱۹۸۷، ص. ۱۱۰)؛ بر این اساس، در این پژوهش در آغاز کار برای دستیابی به مفاهیم و مقوله‌ها از رویکرد مصاحبه کوتاه غیررسمی به منظور شناخت بیشتر استفاده شد. سپس مصاحبه‌های عمومی انجام شد و پس از آن با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، مقوله‌ها و مفاهیم در فرایند مصاحبه پیگیری شدند. این امر در راستای نمونه‌گیری نظری نیز انجام شد که با ماهیت روش نظریه زمینه‌ای سازگاری زیادی دارد (ماسن^۱، ۱۹۹۶).

شرایط مصاحبه به دلیل نوع خاصی از زندانیانی که بیش از یک بار به جرم مواد دستگیر شده بودند، به صورت گوناگون انجام گرفت؛ به این صورت که مصاحبه‌ها در زمان و مکانی از زندان که مسئولان زندان تعیین کردند، انجام گرفت. مصاحبه‌ها در فاصله‌های زمانی حداقل ۳۰ دقیقه و حداکثر ۵۵ دقیقه انجام شد. هر جا حضور نگهبان یا ناظر زندان مانع بیان واقعیات بود، مصاحبه در وقت دیگر تکرار شد. با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، مفاهیم و مقوله‌ها شکل گرفتند و این فرایند تا مرحله اشباع نظری ادامه یافت؛ به این ترتیب، فراوانی گزارش‌ها و مصاحبه‌های انجام گرفته در اشباع نظری کمتر مورد بحث است و بیشتر غنای توصیف مدنظر است که در داده‌ها به دست آمد (ایمان، ۱۴۰۰، ص. ۱۴۲).

در این پژوهش برای کدگذاری، از نسخه ضبط‌شده مصاحبه‌ها استفاده شد؛ به طوری که پس از یادداشت برداری از آن‌ها، جمله به جمله تحلیل شدند. در تحقیق حاضر به منظور افزایش قابلیت اعتماد^۲ از سه تکنیک ممیزی، مقایسه‌های تحلیلی و بررسی توسط اعضا (کرسول^۳، ۱۹۹۴، ص. ۱۵۸) استفاده شد؛ به طوری که اساتید مجرب بر مراحل اجرای کار، مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده نظارت داشتند و با اظهار نظر آنان، مفاهیم و مقوله‌ها تثبیت شدند. همچنین پس از نگارش نظریه حاصل از مصاحبه‌های اجراشده، نظریه نهایی با داده

1. Mason
2. Reliability
3. Creswell

های خام مقایسه شد تا از بحث‌های نامربوط جلوگیری شود یا بحث‌های به‌جامانده اضافه شود. در نهایت با چند تن از مشارکت‌کنندگان در پژوهش حاضر راجع به نظریه به‌دست‌آمده و مفاهیم موجود در آن صحبت شد و تأیید نظریه توسط آنان، یک شرط تثبیت نظریه به‌دست‌آمده به شمار رفت. نکته درخور توجه این است که وقتی زندانیان از نتیجه نهایی تحقیق و مقوله مرکزی مطلع شدند، ابراز خرسندی کردند که دقیقاً حرف دل آنان بیان شده است.

۴. یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش در سطح متوسطی از انتزاع آورده شده است و در قالب مفاهیم و مقوله‌ها، به شکلی نظام‌یافته و به‌منظور نشان دادن اتصال بین آن‌ها با مقایسه مستمر، پس از کدگذاری‌های باز و محوری به روابط بین مقوله‌های به‌دست‌آمده توجه شده است. داده‌های خام به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر حاصل ۳۴ مصاحبه انجام‌گرفته می‌باشد که در مرحله‌ی کدگذاری باز بیش از ۱۲۰ مفهوم از این مصاحبه‌ها استخراج گردید. طی کدگذاری محوری و با شناخت دقیق‌تر و اتصال بین مفاهیم، ۱۵ طبقه میانی و چهار مقوله‌ی اصلی به دست آمد. در مرحله سوم کدگذاری که کدگذاری انتخابی است، یک مقوله هسته نهایی از کل مقوله‌ها استخراج شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. طبقات استخراج شده از کدهای باز مصاحبه

طبقات	مفاهیم	نمونه‌ای از واحدهای معنی
الگوی رفتاری تحقیر آمیز و بی‌اعتمادی	تغییر در معاشرت مردم	-هیچ کس بعد از آزادی از من استقبال نکرد و از آزادی من خوشحال نشد. -تمام فامیل با ما قطع رابطه کردند. -حتی جواب سلام را نمی‌دادند و فقط زیرچشمی نگاه می‌کردند.
	طعن و کنایه مردم	-وقتی آزاد شدم، مادرم مرده بود و همه مرا باعث مرگش می‌دونستند. -زنم که گذاشته بود رفته بود و بچه را به مادرم داده بود؛ همه مرا مقصر می‌دونستن.
	بی‌اعتمادی مردم	- هر جا رو انداختم که یه کار موقت به من بدهند اصلاً توجه نمی‌کردن. آشناها که بدتر از غریبه‌ها بودن.
	سرکوب اعتماد به نفس	- من جرمم قاچاق سنگین مواد بود، ولی وقتی آزاد شدم دیدم برای مردم فرقی نمی‌کنه که جرم چی باشه بری زندون. وقتی اومدم بیرون همه به چشم دزد و قاتل و قاچاق فروش و بی‌ناموس به من نگاه می‌کردن! حالا من به این مردم چطور خودم را ثابت کنم؟
روابط زناشویی	رابطه غیر عاطفی همسران	- (پاسخگوی مرد) من به عنوان یک مرد هیچ وقت فکر نمی‌کردم که اگر دچار مشکل بشم زنم منو ول کنه بره. - (پاسخگوی زن) شوهرم از من برای حمل و نقل مواد استفاده می‌کرد. بعدشم که وضعش خوب شد، رفت و زن گرفت. منم خودم دیگه بلد شده بودم برای انتقام از شوهرم زدم به خلاف.
	همسر عاشق و ایثارگر	- (پاسخگوی مرد) زنم مریض بود و داشت جلو چشمم پرپر می‌شد. دفعه قبل هم که گیر افتادم، فقط زنم کمک کرد که آزاد بشم. گفتم یه خلاف سنگین می‌کنم یا خرج عملش را درمیارم یا گیر می‌افتم و اعدام می‌کنند. - (پاسخگوی زن) از زندون آزاد شدم. موقع دستگیری من و شوهرم با هم بودیم و تمام اموالمون مصادره شد. من عاشق شوهرم بودم. دلم براش سوخت؛ چون چند بار می‌خواست خودکشی کنه. منم گفتم بیا دوباره خلاف کنیم یا می‌شه یا نمی‌شه!
طرد اجتماعی و بدبینی	خانواده و خویشاوندان	-فقط مادرم با من بد نبود. اونم همش نصیحتم می‌کرد، ولی هیچ کس منو تو خونه‌اش راه نداد. -اقوام گفتند تو باعث ننگ خانواده و فامیل هستی.

طبقات	مفاهیم	نمونه‌ای از واحدهای معنی
	دوستان و همکاران	-من قبلاً تو شرکتي راننده بودم بعد از آزادی ديگه اونجا به من کار ندادن! گفتن بهت اعتماد نداریم که ماشین دستت بدیم.
	همسایگان	-ما به خاطر برخوردهای بد همسایه‌هامون از محل قبلی مون رفتیم.
	شبکه‌های اجتماعی	-این قدر برخوردهای بد با یه مجرم قاچاقچی می‌شه که با خودم گفتم کاش اعدام کرده بودند.
نبرد کاهش فرصت برآمده در جامعه	احساس بی‌توجهی و بی‌برنامگی مسئولان کشور	-دولت اصلاً هیچ برنامه‌ای برای بعد از آزادی زندانی نداره. به و الله به ما کار نمی‌دن. مگه فقط بخواید دوباره خلاف کنیم. حتی یه برگه نمی‌دن که این زندونی رفتارش خوب بوده و مشکلی نداشته. توبه کرده که خلاف نکنه!
	حمایت قاچاقچیان	-فقط تنها کسی به من زندونی قاچاقچی پناه می‌ده همون بلوچی هست که اول بار به من جنس داده. فقط اون دوباره به ما اعتماد می‌کنه.
تشدید بحران هویت	انتظارات خانواده	-وقتی از زندون اومدم بیرون، همه توقع داشتن سریع جبران کنم غیبتم را، کمبودها را. چاره‌ای نداشتم جز تکرار خلاف!
	انتظارات جامعه	-جامعه می‌خواد من از زندون که اومدم سالم زندگی کنم. چطور بدون کار سالم زندگی کنم؟ جامعه به من زندانی بگه چطور بدون کار باید زندگی کنم؟ اون وقت من غلط بکنم دوباره خلاف کنم!
	تعارض مجرم	-از زندون اومدم دیدم هرچی تو خونه بوده فروختن و خرج کردن. حق داشتن چون هیچ‌کس بهشون سر نزده بود و کمکی نکرده بود. شش ماه دنبال کار بودم و الله نمی‌خواستم دوباره خلاف کنم. من کارم به خودکشی رسید! آخرش رفتم پیش همون بلوچ و گفتم من هستم دوباره کار می‌کنم!
شالوده‌شکنی دینی	ترس نداشتن از گناه	-من قاچاق مواد سنتی را گناه نمی‌دونم؛ چون بعضی برای تفریح و عیش و نوش استفاده می‌کنند، ولی صنعتی دیگه تو کارش نیستم؛ چون دیدم یکی بچه‌هاشو در اثر توهم کریستال کشته بود و یکی زنش را.
	بی‌توجهی به توصیه‌های مذهبی	-دین مگه نگفته که به داد مردم فقیر برسید؟ کسی به داد ما رسید؟ اگه قاچاق گناه هم باشه مهم نیست!
سرگشتگی زنان	زنان سرپرست خانوار	-من سال‌هاست شوهرم فوت کرده و خودم سرپرست خانواده هستم. قبلاً کمتر مشکل داشتم؛ اما بچه‌ها بزرگ شدند مجبور شدم بزنم به خلاف!
	زنان مهاجر سرگردان در شهرها	-من با شوهرم از روستا اومدم تو شهر. بعدش شوهرم رفت دنبال یه زن دیگه. من حیرون شدم مجبور شدم برم تو کار قاچاق.

طبقات	مفاهیم	نمونه‌ای از واحدهای معنی
	زنان تحقیر شده توسط همسر	-مرد بی‌وفا منو به این روز کشوند. شوهرم نامرد بود و طلاقم داد. منم برای نابودی خودم رفتم تو کار خلاف.
الگوی رفتاری انگیزشی	برچسب، تحریکی برای تکرار جرم	-من از زندان که اومدم دیدم چه حرفا پشت سرم زدن! قاچاقچی مسلح تو درگیری مسلحانه مأمورهای دولت را کشته و... خلاصه دیدم ذهن مردم را نمی‌شه پاک‌کنم و دوباره خلاف کردم.
	برچسب، عامل جرائم سنگین‌تر	-این مردم خیلی بی‌معرفتن! این قدر پرونده سنگین برات درست می‌کنن که خودت تعجب می‌کنی! این مردم چه چیزها که به من نسبت دادن! منم رفتم خلاف سنگین‌تر!
زیرساخت‌های حمایتی	بیکاری	-بیکاری بیداد میکنه من شش ماه با خواهش، التماس و حتی گریه دنبال کار گشتم اما نبود! باور کنید حتی به خاطر کرونا کارگر ساختمانی هم نمی‌خواستن!
	نبود نظارت بر زندانی آزاد شده	-در تمام کشورها بعد از آزادی زندانی بر زندگی‌اش تا مدتی نظارت دارن! نه از این جهت که کنترلش کنند؛ بلکه از این جهت که ببینند با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شه.
	سلب مسئولیت دولت به وضعیت زندانیان آزاد شده	-دولت زمان دستگیری تمام اموال ما رو مصادره می‌کنه، ما را جریمه می‌کنه، حبس بهمون می‌ده و بعد بدون هیچ مسئولیتی ما رو روانه جامعه می‌کنه.
	رهاکردن زندانی به حال خود	-من فکر نکنم در هیچ کشوری دولت مثل تو ایران این قدر نسبت به زندونی بی‌مبالات باشه.
	نبود مشاوره بعد از آزادی	-من خودم بارها رفتم که بهشون بگم من کار گیرم نمیاد کمکم کنید، اما اصلاً به زندونی آزاد شده کاری ندارن! هیچ‌کس هیچ مشاوره و راهنمایی نمی‌کنه که چطور با مشکلاتمون کنار بیایم.
مشکلات اقتصادی	بی‌سامانی اقتصادی	-من یارانه ندارم، کار ندارم، خونه ندارم، زندگی ندارم!
	حکم مصادره اموال	-کل اموال بعد از دستگیری مصادره شد و من رسیدم سرخونه اول!
	حکم جریمه‌های سنگین	-برای اینکه در حبس تخفیف بدهند، یه جریمه سنگین کردن و من رسیدن به انتها و ته زندگی.
الگوی رفتاری مجرمانه	مصرف موادمخدر	-من تو زندون اعتیادم را ترک کردم، اما فشار مشکلات بیرون از زندان باعث اعتیاد مجدد من شد و برای تهیه مواد مسلم هست که دایره ارتباطات من همون خلفاکارا و قاچاقچی‌ها هستن!

طبقات	مفاهیم	نمونه‌ای از واحدهای معنی
	هم‌نشینی با افراد خلاف‌کار	- وقتی بعد از آزادی هیچ آدم عادی جز افراد خلاف‌کار مثل خودم به من روی خوش نشون ندادن. خب من همش با اینا ایده می‌گیرم و تحریک می‌شم که برم دنبال خلاف جدید و یک‌شبه ره صدساله برم!
	تمایل به تکرار جرم	- من از بچگی تو خانواده‌ای به دنیا اومدم که پدرم معتاد و خلاف‌کار بوده. بعدش چند بار دستگیر شد و من کم‌کم با دوستانش آشنا شدم و کارش را ادامه دادم.
الگوی رفتاری عدالت محور	عدالت کیفری در صدر حکم	- خیلی احکام بی‌حساب و کتاب صادر میشه و گناه میفته گردن فقیرا و ضعيفا.
	عدالت اجتماعی	- تو جامعه ما خیلی هوای افراد پولدار را دارن و برای افراد فقیر و بیچاره هیچ ارزشی قائل نیستند.
باورهای کمال‌گرایانه	زندگی در شرایط ایده‌آل	- من هنوز جوانم و نمی‌خوام حسرت زندگی خوب را داشته باشم. باید ازدواج کنم و بچه‌دار بشم و باید از همه‌چی تموم داشته باشم.
	رفاه‌طلبی مطلق	- از خیلی‌ها خبر دارم که با دو بار خلاف کل بار زندگی شو بسته. اصلاً برای خودش پادشاهی شده! - من می‌گم وقتی تو می‌تونی با شرایط رفاه کامل زندگی کنی، خب چرا پس زندگی را برای خودت تلخ کنی؟ یه ریسک، یه خلاف بعدشم یه عمر آسایش! منو فروختن و گرنه الآن تو کاخ خودم بودم!
ویژگی‌های فردی	زمان و ساختار سنی	- (پاسخگوی مرد) من تازه آزاد شده بودم. فقط ۲۸ سال داشتم. به کمک پدرم ازدواج کردم. ما اول زندگی مون بود، ولی دلمون به آرزوی همه‌چیز بود؛ برای همین تصمیم گرفتم دوباره خلاف کنم که جبران کنم. - (پاسخگوی زن) من ۶۲ سال دارم. شوهرم رفت زن گرفت و منم با پنج تا بچه موندم کارکنم. قبلاً دستگیر شده بودم، ولی زود آزاد شدم. هیچ چاره‌ای نداشتم جز تکرار خلاف! برای یه زن ۶۲ ساله معتاد سابقه‌دار بدون همسر مگه کاری هست؟
	تمایل به اوج یا حضیض	- من وقتی آزاد شدم، تمام اموالم مصادره شده بود، کلی بدهی داشتم و یه زندگی بی‌دروپیکر! چیزی برای از دست دادن نداشتم یا دستگیری و اعدام یا رسیدن جنس به مقصد و جبران مافات!
طبقه اجتماعی	میزان هزینه‌های خانواده	- هزینه‌های زندگی با بزرگ شدن بچه‌ها بیشتر میشه، من خودم هم معتاد به تریاک هستم و هم سیگار می‌کشم، هزینه خوراک و پوشاک و مسکن

طبقات	مفاهیم	نمونه‌ای از واحدهای معنی
	میزان تحصیلات	-سواد درستی ندارم و خیلی کارها را نمی‌تونم انجام بدهم. کسی به مجرم سابقه‌دار کار نمی‌ده.
	وضعیت اشتغال فعلی	-من بیکارم. قبلاً تو شرکت سدسازی بودم. بعدش موافقت نکردند که برگردم. غیر از کسی که می‌خواست دوباره جنس قاچاق بده دستم که ببرم تهران، هیچ‌کس پیشنهاد کار به من نداد.
	محل زندگی	-محل زندگی من پایین شهر بود. اونجا مردم خیلی سرشون تو زندگی بقیه هست و از همه خونه‌ها باخبرند!

از ترکیب ۱۵ طبقه میانی، چهار طبقه اصلی توسعه پیدا کرد که عبارت‌اند از: ۱. تکرار جرم به مثابه کنش اجتناب‌ناپذیر؛ ۲. تکرار جرم به مثابه کنش کمال‌گرایانه؛ ۳. تکرار جرم به مثابه کنش اجتماعی؛ ۴. تکرار جرم به مثابه کنش عقلانی (جدول ۳).

جدول ۳. نحوه تشکیل طبقات اصلی از طبقات میانی در تحلیل تکرار جرم

ردیف	طبقات میانی	طبقات اصلی	مقوله هسته
۱	الگوی رفتاری تحقیرآمیز و بی‌اعتمادی	تکرار جرم به مثابه کنش اجتناب‌ناپذیر	تکرار جرم به مثابه کنش اجتماعی برای زندگی از دست‌رفته
۲	طرد اجتماعی و بدبینی		
۳	نبود فرصت کاهش جرم در جامعه		
۴	الگوی رفتاری مجرمانه	تکرار جرم به مثابه کنش کمال‌گرایانه	
۵	باورهای کمال‌گرایانه		
۶	مشکلات اقتصادی		
۷	روابط زناشویی	تکرار جرم به مثابه کنش اجتماعی	
۸	زیرساخت‌های حمایتی		
۹	الگوی رفتاری انگ‌زنی		
۱۰	طبقه اجتماعی		
۱۱	الگوی رفتاری عدالت محور	تکرار جرم به مثابه کنش عقلانی	
۱۲	تشدید بحران هویت		
۱۳	شالوده‌شکنی دینی		

ردیف	طبقات میانی	طبقات اصلی	مقوله هسته
۱۴	سرگشتگی زنان		
۱۵	ویژگی های فردی		

در جدول ۳، طبقات میانی با طبقات اصلی نشان داده شده است. چهار طبقه اصلی شامل کنش اجتناب ناپذیر، کنش کمال گرایانه، کنش اجتماعی و کنش عقلانی مشاهده می شود. از آنجاکه هدف پژوهش، تئوری زمینه ای تدوین یک نظریه یا تلفیق چند نظریه از مفاهیم متعدد است، خط داستانی در جهت پیوند مفاهیم و هدایت به سمت مقوله هسته است. در این قسمت چهار طبقه اصلی در تعامل با یکدیگر و به صورت یکپارچه توضیح داده شده است تا مراحل مختلف تکرار جرم زندانیان و رسیدن به مقوله هسته با عنوان «تکرار جرم به مثابه بن بست برای جبران زندگی از دست رفته» بهتر ادراک شود. تکرار جرم کنشگران زندانی چه به مثابه کنش اجتناب ناپذیر، چه کنش کمال گرایانه، چه کنش اجتماعی و چه کنش عقلانی در نظر گرفته شود، با توجه به شرایط زمینه ای، شرایط علی و شرایط مداخله گر، استراتژی ها و پیامدهای استفاده شده توسط گروه های مختلف، مشارکت کنندگان و پیامدهای مختلفی دارد.

۴. ۱. مقوله اول: تکرار جرم به مثابه کنش عقلانی

امروزه رویکرد نوین انتخاب عقلانی، میراث دار سنت دویست ساله تحول تاریخی و تدریجی ای از مکتب کلاسیک گزینش عقلانی است که عمدتاً یکی از زیرمجموعه های مکتب نئوکلاسیک شناخته می شود (والش و هممنس، ۲۰۰۸، ص. ۸۰). با توجه به اظهارات مشارکت کنندگان، یکی از دلایل تکرار جرم در این پژوهش «تشدید بحران هویت» و «شالوده شکنی دینی» در زمینه مطالعه شده است؛ تکرار جرم به عنوان عاملی که به همراه خود کنشگران را با «ویژگی های فردی» و به تبع آن خانواده را با «سرگشتگی زنان» مواجه می کند.

۴. ۱. ۱. تشدید بحران هویت (انتظارات خانواده، انتظارات جامعه، تعارض مجرم)

بحران هویت در حقیقت نبود رشد متقارن روانی، اجتماعی، عاطفی و زیستی است. بحران هویت دارای ابعاد مختلفی از جمله بحران هویت فردی، بحران هویت اجتماعی و بحران هویت ملی است (نبوی و همکاران، ۱۳۸۷). علل و عوامل انحرافات اجتماعی می‌تواند در دو سطح فردی و اجتماعی تبیین شود؛ یعنی انتظاراتی که خانواده و جامعه از زندانی آزاد شده دارند.

«وقتی از زندون اوادم گفتم دیگه خلاف نمی‌کنم، ولی نه کار داشتیم و نه زندگی! یه زندگی و بیرون و داغون. خودم خجالت می‌کشیدم برم تو اون خونه. باور کنین بچه‌هام حتی نون شب نداشتن. خیلی دنبال کار رفتم ولی هیچ‌کس به من کار نداد! می‌گن برید بیرون و درست زندگی کنین؛ حتی اگه بخوایم هم نمی‌شه» (کد ۷).

مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که پس از آزادی از زندان، خانواده از آنان توقع داشتند تا کمبودهای زمان غیبت را خیلی زود جبران کنند و خانواده را تأمین کنند، از طرفی جامعه از آنان انتظار دارد که خلاف نکنند. در اینجا فرد دچار تعارض می‌شود که آیا باید خانواده را تأمین کند یا سالم بماند؛ یعنی فرد بین رفتارهای خانواده و جامعه و توقعات آنان به خودش و تعارض بین این انتظارات، دچار تعارض و در نتیجه بحران هویت می‌شود؛ حتی اگر بر اساس نظریه دگری تعمیم‌یافته جورج هربرت مید^۱ که شامل مجموعه چشم‌داشت‌هایی است که شخص معتقد است دیگران از او دارند، بخواهند رفتار کنند، دچار تعارض خواهند شد (یوسفی و خضری مقدم، ۱۳۹۵).

«از زندون اوادم دیدم هر چی تو خونه بوده فروختن و خرج کردن. حق داشتن چون هیچ‌کس بهشون سر نزده بود و کمکی نکرده بود. شش ماه دنبال کار بودم و الله نمی‌خواستم دوباره خلاف کنم. من کارم به خودکشی رسید! آخرش رفتم پیش همون بلوچ و گفتم من دوباره کار می‌کنم» (کد ۱۱).

۴. ۱. ۲. شالوده شکنی دینی (ترس نداشتن از گناه، بی توجهی به توصیه‌های مذهبی)

مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که ما قاچاق مواد سنتی را گناه نمی‌دانیم و ترس از گناه نداریم. همچنین می‌گفتند که دین هرگز به داد فقر ما نرسید و ما هم خلاف را گناه نمی‌دانیم؛ چون گرسنه هستیم و نیاز داریم. آنان معتقد بودند وقتی دولت جمهوری اسلامی به فقر و گرسنگی مردم اهمیت نمی‌دهد، پس هر کاری مجاز است و گناه نیست. ژاک دریدا^۱ نگاه شالوده‌شکنانه به دین را مطرح کرد؛ جایی که کنشگران مبنای کنش خود را با باورهای عرفی و نه اعتقادات قدسی سامان می‌دهند. شالوده‌شکنی امکان حضور از عمق به سطح را بازنمایی می‌کند (دریدا، ۱۳۹۹، ص. ۳۲). گروه چشمگیری از مشارکت‌کنندگان آمادگی ذهنی برای درهم‌شکستن باورهای مذهبی خود در این زمینه داشتند و گروهی دیگر به دلیل مقابله با این نوع مناسک دینی، راهبردهای عقلانی و علمی را مناسب می‌دانستند. در مجموع براساس گزاره‌های مطرح‌شده توسط مشارکت‌کنندگان، شک و تردیدی میان آن‌ها برای تعریف جرم به‌عنوان کنش ضد دین و شرع مشاهده نشد و بیشتر آنان بیان کردند که مبلغان دینی اگر می‌خواهند دین را برای مردم زمانه قابل قبول کنند، این امر را باید در جهت کاهش رنج مردم انجام دهند.

«دین مگه نگفته که به داد مردم فقیر برسید؟ کسی به داد ما رسید؟ اگه قاچاق گناه هم باشه مهم نیست مگه کسی جواب گرسنگی بچه منو می‌ده؟ گفتم هر چه بادا باد و رفتم تو کار خلاف» (کد ۱۳).

۴. ۱. ۳. سرگشتگی زنان (زنان سرپرست خانوار، زنان مهاجر سرگردان در شهرها، زنان تحقیرشده

توسط همسر)

واقعیت خانواده امروز ایرانی و آمارهای مربوط به آن نشان از دگرگونی ماهیت روابط انسانی در این نهاد دارد. مقوله سیالیت زناشویی برگرفته از نظریه «عشق سیال» زیگمونت باومن^۱ بیان می‌کند که جهان مدرن، جهانی عقلانی شده، محاسبه‌گر و افسون‌زدایی شده است که در آن روابط عاشقانه به شکلی سست، موقتی، اعتمادناپذیر و کالایی شده تعریف می‌شود و نوعی ناپایداری در عشق بر انسان مستولی است. در عصر حاضر، زنان و مردان به شدت محتاج به ایجاد رابطه هستند، اما از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و این ارتباط همیشگی آن‌ها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آن‌ها را سلب کند (باومن، ۱۳۹۷، ص. ۱۲). تعدادی از مشارکت‌کنندگان زن که سرپرست خانوار بودند، بیان کردند که با بزرگ شدن بچه‌ها هزینه‌های زندگی زیاد شد و مجبور به تکرار جرم شدند. همچنین تعدادی از زنان که همراه همسرشان از روستا به شهر مهاجرت کرده بودند، سرگردان شده بودند؛ زیرا شوهرشان در شهر به آن‌ها خیانت کرده بود و زن مجبور به خلاف شده بود. برخی از زنان هم گفتند که شوهرشان بعد از خلاف و ثروتمند شدن آنان را طلاق داده است و آنان برای جبران حقارت خود تصمیم گرفتند به‌طور مستقل خلاف کنند و تکرار جرم به دستگیری مجددشان منجر شده است.

«همسرم تصمیم گرفت از روستا بیاد شهر. با هم اومدیم. دست‌فروشی می‌کرد و بعدش با یکی از همون زن‌های دست‌فروش ازدواج کرد و من خیلی ضربه خوردم. برای اینکه بهش ثابت کنم می‌تونم خودم و بچه‌هام را اداره کنم، رفتم تو کار قاچاق می‌خواستم از اون بهتر باشم. خب دفعه اول هم دستگیر نشدم. یه کم که وضعم خوب شد، باید می‌داشتم کنار، ولی ادامه دادم تا گرفتار شدم» (کد ۲۹).

۴. ۱. ۴. ویژگی‌های فردی (زمان و ساختار سنی، تمایل به اوج یا حضيض)

ویژگی‌های فردی از هر فردی به فرد دیگر متفاوت است و شخص براساس وضعیت خودش تصمیم می‌گیرد که چه گُنش اجتماعی را با توجه به اوضاعش انجام دهد. ویژگی‌های فردی شامل عوامل زیستی و عوامل روانی است؛ مثل جنس، سن و اندام، خلق و خو، مسئولیت‌پذیری، بدبینی، پرخاشگری، زودباوری و ترس که می‌تواند در ارتکاب جرم افراد مؤثر باشد (احمدی، ۱۳۹۸، ص. ۴۶). فردی که از زندان آزاد می‌شود و در جامعه برخورد بدی با او می‌شود، ممکن است ریسک دستگیری دوباره را بر خود تحمیل کند و دوباره سراغ قاچاق مواد برود، اما حاضر نشود برای پیدا کردن کار پیش هرکسی التماس کند.

«من ۲۴ سال داشتم و آدم مغروری بودم. دنبال کار رفتم سواد درستی نداشتم. به جایی شاگرد مکانیک ماشین‌های سنگین شدم، ولی خیلی تحقیر می‌شدم وقتی اوستا دعوا می‌کرد و حتی کتکم می‌زد! من تحمل نکردم؛ به همین خاطر با یکی از راننده‌های ماشین سنگین آشنا شدم و زدم به قاچاق» (کد ۱۱).

مشارکت‌کنندگان با وضعیت مختلف فردی خود اظهار کردند که راهی جز ارتکاب مجدد جرم نداشتند. آنان سن و وضعیت زندگی شخصی را دخیل می‌دانستند.

«من تازه آزاد شده بودم و فقط ۲۸ سال داشتم. به کمک پدرم ازدواج کردم. ما اول زندگی مون بود، ولی دلمون به آرزوی همه چیز بود؛ برای همین تصمیم گرفتم دوباره خلاف کنم که جبران کنم» (پاسخگوی مرد، کد ۶).

«من ۶۲ سال دارم. شوهرم رفت زن گرفت منم با ۵ تا بچه موندم کارکنم. قبلاً دستگیر شده بودم، ولی زود آزاد شدم. هیچ چاره‌ای نداشتم جز تکرار خلاف! برای یه زن ۶۲ ساله معتاد سابقه دار بدون همسر مگه کاری هست؟» (پاسخگوی زن، کد ۳۳)

برخی دیگر اظهار کردند که بین رسیدن به اوج و ثروتمند شدن یا دستگیری مجدد و نابودی، چاره‌ای جز تکرار جرم نداشتند؛ چون کسی به آن‌ها کار نمی‌داد.

«من وقتی آزاد شدم، تمام اموالم مصادره شده بود، کلی بدهی داشتم و یه زندگی بی‌دروپیکر! چیزی برای از دست دادن نداشتم یا دستگیری و اعدام یا رسیدن جنس به مقصد و جبران مافات» (کد ۲۶).

۴.۲. مقوله دوم: تکرار جرم به‌مثابه کنش اجتماعی

کنش اجتماعی، واحد اساسی و سلول بنیادین در مطالعات اجتماعی به حساب می‌آید. از نظر وبر، رفتار و کنش هر دو متضمن آن چیزی هستند که افراد بر مبنای روزانه انجام می‌دهند؛ با وجود این، رفتار بدون فکر یا فکر کم روی می‌دهد؛ حال آنکه کنش نتیجه فرایندهای آگاهانه است (ریتزر، ۱۳۹۵، ص. ۱۸۱). تکرار جرم در دوران گذار از سنت به مدرنیته به‌وضوح رفتار «اجتماعی شده» تلقی می‌شود؛ یعنی تصمیم‌کنشگران برای تکرار جرم از یک سو متأثر از سیاست‌های اجتماعی، برنامه‌ریزی‌های کلان سیاست‌مداران و تحولات سطح خرد در عرصه روابط و تعاملات بین فردی در هر جامعه است؛ به سخن دیگر، براساس نتایج این پژوهش مشخص شد که تکرار جرم به‌مثابه کنش اجتماعی به‌شدت تابع سیاست‌های سطح کلان جامعه و سرمایه‌های اجتماعی مشارکت‌کنندگان است. طبق اظهارات مشارکت‌کنندگان، بخشی از تصمیم آنان برای انجام تکرار جرم و اساساً تمایل به تکرار جرم، «زیرساخت‌های حمایتی»، «الگوی رفتاری انگ‌زنی» و «طبقه اجتماعی» است.

۴.۲.۱. زیرساخت‌های حمایتی (بیکاری)، نبود نظارت بر زندانی آزادشده، سلب مسئولیت دولت به وضعیت زندانیان آزادشده، رهاکردن زندانی به حال خود، نبود مشاوره بعد از آزادی)

امروزه یکی از مهم‌ترین عوامل و عناصر رشد و توسعه اقتصادی و پیشرفت اجتماعی، ایجاد بستر مناسب سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار در هر کشور است؛ به‌طوری‌که در حال حاضر این موضوع یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اقتصادی محسوب می‌شود؛ به همین دلیل می‌توان با بهبود فضای سرمایه‌گذاری زمینه و امکان حضور بخش‌های خصوصی و فعالان اقتصادی را مهیا کرد. مشارکت‌کنندگان از بیکاری بعد از آزادی شاکی بودند و اینکه

دولت هیچ نظارت و اقدامی برای کمک به زندانیان نمی‌کند و هیچ‌کس حتی در حد مشاوره هم به آنان کمک نمی‌کند.

«در تمام کشورها بعد از آزادی زندانی بر زندگی‌اش تا مدتی نظارت دارن! نه از این جهت که کنترلش کنند؛ بلکه از این جهت که ببینند با چه مشکلاتی روبه‌رو می‌شه. دولت زمان دستگیری تمام اموال ما رو مصادره می‌کنه، ما را جریمه می‌کنه، حبس بهمون می‌ده و بعد بدون هیچ مسئولیتی ما رو روانه جامعه می‌کنه» (کد ۱۸).

«اگه کار باشه و دولت برای من زندونی آزاد شده، برنامه داشته باشه، من بیجا می‌کنم دوباره جرم مرتکب بشم» (کد ۱).

۲.۲.۴. الگوی رفتار انگ‌زنی (برچسب، تحریکی برای تکرار جرم، برچسب، عامل جرائم سنگین‌تر) اهمیت احترام به حریم و حدود افراد تا آنجاست که ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ به صراحت بر آن تأکید می‌کند که هیچ‌کس نباید در معرض مداخله خودسرانه در زندگی شخصی، خانواده، خانه یا مکاتبات خود قرار گیرد یا اینکه به شرف و آبروی او تعرض شود. معمولاً افراد برچسب خورده منزوی و طرد می‌شوند. فرضیه اصلی مارتین بریث ویت^۱ این است که وقتی شرمساری ناشی از انگ‌زنی زیاد شود، جرم افزایش می‌یابد (صدیق سروستانی، ۱۳۹۹، ص. ۵۱). افراد انگ‌خورده از سوی جامعه طرد می‌شوند و پذیرفته نمی‌شوند. این امر باعث می‌شود که آن‌ها پایگاه منحرف بودن را بپذیرند و متناسب با این پایگاه نقش خود را ایفا کنند؛ بنابراین به احتمال زیاد با تشدید رفتار انحرافی‌شان، همانندسازی آن‌ها با هویت منحرفانه کامل می‌شود. مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که پس از آزادی، مردم جرائمی را به آنان نسبت دادند که بسیار غیرواقعی بود، اما انگ زدن آنان را به جنایتکاران حرفه‌ای تبدیل کرد.

«جرم اول من حمل ۱۰۰ کیلو تریاک بود. وقتی آزاد شدم دیدم همه پشت سرم گفتن یک تن تریاک داشته و درگیری مسلحانه و یه مأمور دولت را هم کشته! یعنی راحت قاتل هم شده بودم! خلاصه دیدم ذهن مردم را نمی‌شه پاک‌کنم و دوباره خلاف کردم» (کد ۶).

۴.۲.۳. طبقه اجتماعی (میزان هزینه‌های خانواده، میزان تحصیلات، وضعیت اشتغال فعلی، محله زندگی)

طبقه اجتماعی به بخشی از جامعه گفته می‌شود که به لحاظ داشتن ارزش‌های مشترک، منزلت اجتماعی معین، فعالیت‌های دسته‌جمعی، میزان ثروت و دیگر دارایی‌های شخصی و نیز آداب معاشرت با دیگر بخش‌های همان جامعه متفاوت باشد. شاخص‌های تعیین طبقه اجتماعی درآمد، شغل، تحصیلات و خانواده هستند (کوئن، ۱۴۰۱، ص. ۳۰۸). مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که حتی در تأمین هزینه نیازهای اولیه زندگی درمانده‌اند. تحصیلات کم یا بی‌سوادی و سابقه‌دار بودن عامل بیکاری آنان است و در محله زندگی خود چیزی جز کار خلاف ندیده‌اند. آنان معتقدند وقتی وارد زندان می‌شوند، تمام شواهد و اسناد علیه آن‌هاست و شکایت آنان از این است که در زندان‌ها و محاکم قضایی به افراد پولدار زودتر و بهتر رسیدگی می‌کنند و به افراد طبقه پایین، به تناسب جرمشان احکام سنگین‌تری می‌دهند و بیشتر سخت می‌گیرند.

«خانواده من فقیر بودن. من سواد ابتدایی دارم. پدرم کارگر ساختمانی بود. از بالا افتاد و قطع نخاع شد. کل مسئولیت خونه افتاد رو دوش من. یه رفیقی داشتم پدرش تو کار قاچاق بود. اولش خلاف سنگین نبود. بعدش گفتم یه خلافی سنگینی بکنم و پولی دربیارم. بعدش دیگه می‌ذارم کنار، ولی گیر افتادم. ما خودمون بدبخت خدازده هستیم، ولی این قاضی‌ها هم هوای پولدارها رو دارند. محاکم قضایی اصلاً ما رو آدم حساب نمی‌کنن! تمام احکام سنگینشون مال بدبختایی مثل من هست» (کد ۱۷).

«من بیکارم قبلاً تو شرکت سلسازی بودم. بعدش موافقت نکردند که برگردم. غیر از کسی که می‌خواست دوباره جنس قاچاق بده دستم که ببرم تهران هیچ‌کس پیشنهاد کار به من نداد.» (کد ۱۹).

۴.۲.۴. الگوی رفتاری عدالت‌محور (عدالت کیفری در صدور حکم، عدالت اجتماعی)

مقصود از این عدالت، آن است که اگر افراد جامعه انسانی از حیث انسانیت و کرامت و حقوق انسانی مساوی‌اند و همگان در برابر قانون یکسان‌اند؛ بنابراین باید در مقام داوری حق کسی که به او تجاوز شده است، ستانده شود و هیچ‌گونه ملاحظات اعتباری و غیرارزشی مدنظر قرار نگیرد (نیک‌منش، ۱۳۹۱). مشارکت‌کنندگان در این تحقیق معتقد بودند، در سیستم قضایی ایران، محاکم قضایی و دادسراها، احکام صادره و آراء به نفع مجرمان طبقه بالای جامعه است و حق مجرمان طبقه پایین عمدتاً ضایع می‌شود و از روند برقراری عدالت در سیستم قضایی راضی نبودند. آنان اظهار کردند که جامعه هیچ راهی جز ارتباط با خلاف‌کاران سابق برایشان باقی نگذاشته است.

«اگر عدالت در جامعه و به‌خصوص در محاکم قضایی برقرار باشه، اصلاً تکرار جرم صورت نمی‌گیره. وقتی طرف دستگیر میشه و اینجا با یه حکم نیست و نابودش می‌کنند، مجبوره که بره دوباره خلاف کنه تا جبران بشه. احکام متعادل برای پولداراست!» (کد ۱۶)

۴.۳.۴. مقوله سوم: تکرار جرم به‌مثابه کُنش کمال‌گرا

۴.۳.۴.۱. باورهای کمال‌گرایانه (زندگی در شرایط ایده‌آل، رفاه‌طلبی مطلق)

کمال‌گرایی در فرم ناسازگار آن، کمال‌گرایی مردم را به تلاش برای رسیدن به یک ایده‌آل دست‌نیافتنی یا اهداف غیرواقع‌بینانه سوق می‌دهد که اغلب به افسردگی و عزت‌نفس ضعیف منجر می‌شود. در مقابل، کمال‌گرایی سازگار می‌تواند به افراد برای رسیدن به اهداف خود انگیزه بدهد و باعث شود که این افراد از تلاش خود لذت ببرند. داده‌های جدید نشان می‌دهد که گرایش‌های کمال‌گرایانه، در بین نسل‌های اخیر افراد جوان رو به افزایش است

(کوران و هیل^۱، ۲۰۱۹). کمال‌گرایان ناسازگار، دائماً برای رسیدن به استانداردهای بالای خود، احساس فشار می‌کنند و تفکرشان معمولاً یا همه‌یاهیچ است (مارشال^۲ و دیگران، ۲۰۰۸). زندانی آزادشده از زندان نیز که دارای شخصیت کمال‌گرا می‌باشد از آنجا که زندگی‌اش را در جرم قبلی از دست داده از نظر اقتصادی، منزلت اجتماعی و سرمایه اجتماعی در جامعه به صفر رسیده است تصمیمش این است که دوباره همه‌چیز را داشته باشد. معمولاً چنین افرادی وقتی اقدام به تکرار جرم می‌کنند با خلاف سنگین‌تری می‌خواهند گذشته را جبران کنند. در این پژوهش برای توضیح تمایل به داشتن شرایط رفاه مطلق در زندگی، باورهای کمال‌گرایانه مطرح شده است. کسانی که تصمیم گرفتند که با قاچاق سنگین مواد مخدر، هر آنچه را که در آرزوی آن هستند به دست آورند و برای رسیدن به هدفشان هر قدر که لازم باشد مرتکب جرم می‌شوند تا بتوانند زندگی ایده‌آل و مطلوب از نظر خودشان را به دست آورند. افراد کمال‌گرا اغلب سختگیر و انعطاف‌ناپذیرند و تلاش زیاد برای رسیدن به معیارهای مطلق و افراطی خود دارند.

«قانون من یا همه‌چیز یا مرگ هست. من وارد خلاف شدم با خودم گفتم اون زندگی که من برای خودم در نظر گرفتم و هدفم هست میشه به دستش بیارم و خلاف می‌کنم تا به رفاه مطلق برسم» (کد ۲).

۴. ۳. ۲. مشکلات اقتصادی (بی‌سامانی اقتصادی، حکم مصادره اموال، حکم جریمه‌های سنگین)

بیشتر مشارکت‌کنندگان بیان کردند که بیکارند، یارانه ندارند و تمام اموال آنان مصادره شده است یا برای تخفیف در حکم برای آنان جریمه سنگین بریده‌اند. افرادی نیز که آزادشده‌اند، به بن‌بست اقتصادی رسیده‌اند؛ به طوری که برای برون‌رفت از این مشکلات، جامعه هیچ راهی جز تکرار جرم برایشان نگذاشته است. اصل سوم قانون اساسی وظایف دولت را مشخص کرده است و در آنجا عمده‌تاً وظایف ایجابی برای پرداختن به مسائل

1. Curran & Hill
2. Marshall

کشور به دولت نسبت داده شده است: «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). در صورتی که دولت به تحقق این اهداف اهتمام ورزد، مشکلات اقتصادی مردم کمتر خواهد بود. برای یک فرد زندانی آزاد شده از زندان که چند سال حبس کشیده، زندگی مادی خود را از دست داده است و باید از صفر شروع کند، قطعاً اگر کمک دولت نباشد، راهی جز ارتکاب جرم مجدد برایش نیست.

«زنم طلاق غیابی گرفته بود و پسر من را هم برده بود. جای دیگه ازدواج کرده بود تو یه شهر دیگه. من پول نداشتم که کرایه بدهم و برم پسر من را ببینم. هر چی داشتم مصادره شده بود: خونه، ماشین، پول؛ یعنی برگشته بودم سر خونه اول» (کد ۹).

۴.۳.۳. روابط زناشویی (رابطه غیر عاطفی همسران، همسر عاشق و ایتارگر)

در این تحقیق با دو نوع از مشارکت‌کنندگان مواجه شدیم: نوع اول همسرانی که عاشق هم بودند؛ همدیگر را دوست داشتند؛ برای بهبود زندگی‌شان با هم همراهی و همکاری کرده بودند و هر دو با هم به قاچاق مواد اقدام کرده بودند. این‌ها در نهایت سختی خوشحال بودند که به هم وفادار مانده بودند و حتی قول داده بودند که پس از آزادی از زندان باز هم با هم همراهی کنند؛ نوع دوم زنان یا مردان زندانی که شریک زندگی‌شان به آنان وفادار نمانده و طلاق گرفته و با فرد دیگر ازدواج مجدد کرده بود. این‌ها اظهار می‌کردند که در طول سال‌های همسراری هم توقعات بیش‌ازحد زن (درمورد زندانیان مرد) یا بی‌مسئولیتی شوهر (درمورد زندانیان زن) باعث دل‌سردی آنان شده بود و بعد از سختی کشیدن از زندان دیدند که همه چیز نابود شده است. گفتنی است که خانواده‌های نوع دوم معمولاً دچار خیانت، طلاق، ازهم‌گسیختگی و طلاق عاطفی می‌شوند. به برخی از اظهارات مشارکت‌کنندگان اشاره می‌شود.

«مادرم دلش می‌خواست مرا به پسری پولدار بده، اما همه چیز که پول نیست. من عاشق همسرم بودم و کسی درکم نمی‌کرد؛ به همین دلیل وقتی به خانه همسرم رفتم، خانواده‌ام هیچ جهیزی به من ندادند. ما با هم تصمیم گرفتیم زندگی مان را بسازیم، اما راهمان اشتباه بود. هر دو با هم وارد کار قاچاق مواد شدیم» (کد ۲۶).

«من برای تأمین خواسته‌های زخم دست به خلاف زدم، اما بعد از صدور حکم من، طلاق گرفتم و بچه‌ام را هم برداشتم و برد و با یکی دیگه ازدواج کردم؛ در صورتی که من اصلاً این کاره نبودم. پدر خودش منو با یه بلوچ آشنا کرد» (کد ۱۵).

۴. ۴. مقوله چهارم: تکرار جرم به مثابه کنش اجتناب‌ناپذیر

کنش اجتناب‌ناپذیر یعنی کنشگر ناچار و ناگزیر است آن عمل را انجام دهد؛ به عبارت دیگر، چیزی و کاری که نمی‌توان از آن پرهیز کرد و وقوع آن حتمی و ناگزیر است. مشارکت‌کنندگان در این تحقیق از کودکی در زندگی خود الگوی رفتاری مجرمانه را تجربه کرده بودند؛ به طوری که پدرشان یا مادرشان قبلاً مرتکب جرم شده بودند و سابقه زندان داشتند یا معتاد بودند و اعتیاد پدر و مادر باعث شده بود که دایره ارتباطات خانواده آنان با افراد قاچاقچی و معتاد باشد؛ بنابراین کنشگران این تحقیق از کودکی «رفتار مجرمانه» را دیده‌اند و خود مرتکب جرم شده‌اند و «نبود فرصت کاهش جرم» در جامعه، کنشگران را به سمت تکرار جرم سوق داد. در چنین شرایطی وقتی که زندانی از زندان آزاد می‌شود، همه او را تحقیر می‌کنند؛ به او بی‌اعتماد هستند و او را فاقد هر نوع منزلت اجتماعی می‌دانند؛ پس «الگوی رفتاری تحقیرآمیز و بی‌اعتمادی» در جامعه و پس از آزادی زندانی این مفهوم را به او القا می‌کند که او انگ سابقه‌دار بودن خورده است و برای هیچ‌کس قابل اعتماد نیست. از طرفی «طرد اجتماعی و بدبینی» که از طرف جامعه و خانواده بر او اعمال می‌شود، کنشگر را که هیچ سرمایه اقتصادی و اجتماعی ندارد به سمت تکرار جرم می‌کشاند.

۴. ۱. الگوی رفتاری تحقیرآمیز و بی‌اعتمادی (تغییر در معاشرت مردم، طعن و کنایه مردم، بی‌اعتمادی مردم، سرکوب اعتماد به نفس)

این مقوله در معنای کلان خود یعنی بیشتر افراد جامعه در مورد افراد زندانی ذهنیت منفی دارند و به چشم حقارت به آنان نگاه می‌کنند؛ زیرا بخشی از مسیر زندگی خود را به اشتباه رفته و دستگیر شده‌اند تا تاوان اشتباهشان را با تنبیه و حبس کشیدن پس دهند. در مورد زندانیان قاچاقچی مردم معتقدند که آن‌ها افراد تنبلی هستند که به جای انجام کارهای پرزحمت، می‌خواهند یک‌شبهه ره صدساله بروند و بدون زحمت و با حمل و نقل مواد مخدر پولدار شوند؛ بنابراین ذهنیت منفی به آنان دارند و علاوه بر اینکه به چشم حقارت به آنان نگاه می‌کنند، به آنان بی‌اعتماد هم هستند و هرگز نمی‌توانند به آن‌ها اعتماد کنند. ادامه این رفتارها می‌تواند تبعات نامطلوبی به همراه داشته باشد و افراد مجرم را به‌طور غیرمستقیم وادار کند که دوباره جرم خود را تکرار کنند. مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که پس از آزادی رفتار همه با آن‌ها تغییر کرده است؛ آنان را باعث ویرانی خانواده و جامعه می‌دانند؛ کسی به آن‌ها اعتماد نمی‌کند و به چشم قاتل و جانی با آنان برخورد می‌کنند. برای شفاف شدن این موضوع لازم است به مصاحبه مشارکت‌کنندگان اشاره شود.

«بعد از آزادی دیدم هیچ‌کس به من توجه نمی‌کند. همه نگاه بدی به من داشتند؛ حتی سوپری محل هم جواب سلام منو نمی‌داد. مادرم فقط به دلیل مهر مادری به من توجه کرد، اما مرتب نصیحتم می‌کرد و مرتب منو چک می‌کرد و به من اعتماد نداشت. مردم عادی آگه از گرسنگی بمیریم هم فقط تماشا می‌کنند و هیچ‌کس همدردی نمی‌کنه» (کد ۲۷).

۴. ۲. طرد اجتماعی و بدبینی (خانواده و خویشاوندان، دوستان و همکاران، همسایگان، شبکه‌های

اجتماعی)

طرد اجتماعی فرایندی است که طی آن روابط بین افراد و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، نقض و سست می‌شود و در نتیجه فرد در معرض انواع خطرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می‌گیرد. از آنجاکه فعالیت افراد در عرصه‌های اجتماعی منوط به پذیرش آن‌ها

از سوی سایر افراد و گروه‌های اجتماعی است، این طردشدگی خود می‌تواند زمینه را برای بزهکاری آنان فراهم کند (صدیق سروستانی، ۱۳۹۹، ص. ۴۷). مشارکت‌کنندگان اظهار کردند که از طرف خانواده، دوستان، همسایگان و نیز از طریق شبکه‌های مختلف اجتماعی طرد شدند و هیچ‌کس آنان را پس از آزادی نپذیرفت.

«امثال ما وقتی از زندون آزاد می‌شیم دو دسته هستیم: یه دسته اونایی که خانواده تا حدودی بهشون پناه می‌دن و پشتشون هستند، ولی جامعه طردشون می‌کنه؛ یه دسته اونایی که نه خانواده و نه جامعه هیچ‌کس بهشون پناه نمی‌ده و همه طردشون می‌کنند و این دسته دومی‌ها راهی جز تکرار جرم ندارند» (کد ۱۰).

۴. ۳. نبود فرصت کاهش جرم در جامعه (احساس بی‌توجهی و بی‌برنامگی مسئولان کشور،

حمایت قاچاقچیان)

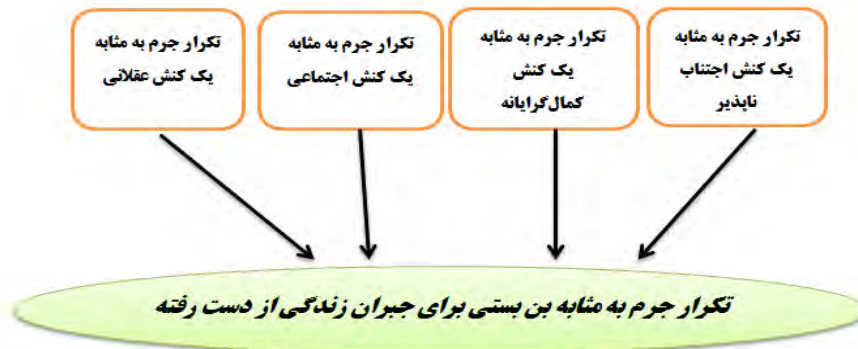
پیشگیری از جرم همواره یکی از موضوعات اساسی و مهم در زندگی بشری بوده که در طول تاریخ به شیوه‌های مختلف اعمال شده است. در جوامع گذشته غالباً مجازات به‌عنوان تنها راهکار مبارزه علیه جرم و به تعبیر صحیح‌تر مجرم تلقی می‌شد و شدت و قاطعیت در اجرای آن را موجب کاهش بزه‌کاری می‌دانستند. مراحل سه‌گانه علیه جرم عبارت‌اند از: مرحله قبل از تصمیم قطعی مجرم به ارتکاب جرم؛ مرحله پس از تصمیم قطعی مجرم به ارتکاب جرم و قبل از تحقق عمل مجرمانه؛ مرحله پس از اجرای فکر مجرمانه و تحقق بزهکاری (کی‌نیا، ۱۳۹۶، ص. ۱۶). در جامعه ایران به‌جای وجود فرصت‌های کاهش جرم، برعکس فرصت‌های افزایش جرم در جامعه وجود دارد. طبق گفته مشارکت‌کنندگان، حداکثر زمان برای یک فرد قاچاقچی برای برقراری ارتباط با افراد قبل از دستگیری ۴۸ ساعت است. «وقتی از زندون اومدم کار که نداشتم، دولت حتی یه برگه نمی‌دن که این زندونی رفتار خوب بوده و مشکلی نداشته. توبه کرده که خلاف نکنه! یه رفیقی داشتم که اون منو با بلوچ‌ها آشنا کرده بود. رفتم سراغش و دوباره شروع کردم به خلاف» (کد ۵).

۴. ۴. ۴. الگوی رفتاری مجرمانه (مصرف موادمخدر، هم‌نشینی با افراد خلاف‌کار، تمایل به تکرار

جرم)

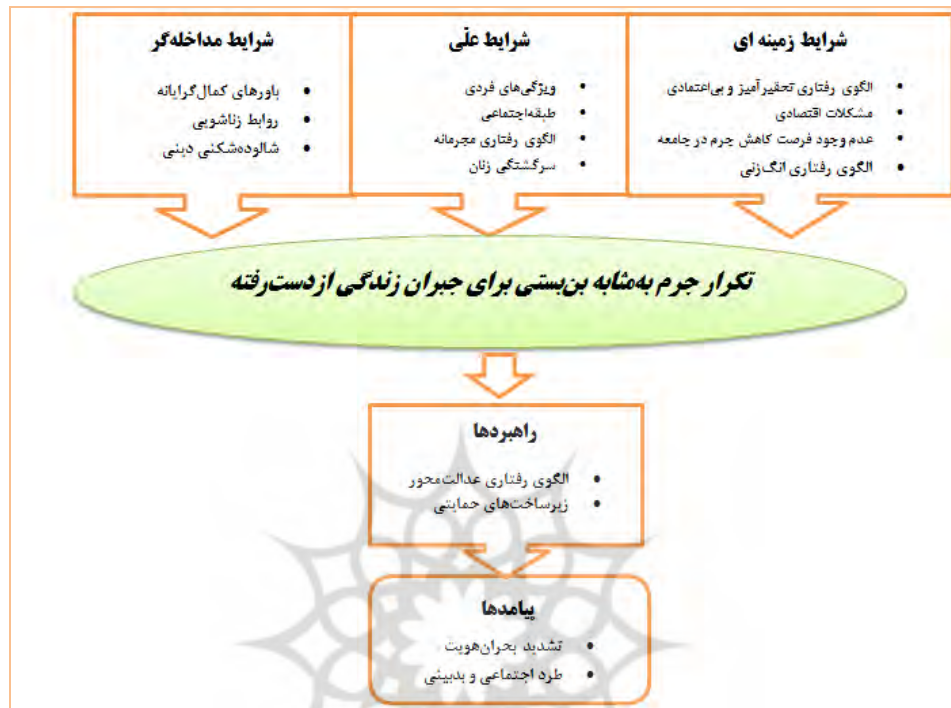
متأسفانه در مقابله با پدیده بزهکاری و جرم، در کشورها کمتر به جنبه‌های محیطی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن توجه شده و برداشتی صرف انتظامی و قضایی موجب شده است تا مجازات مجرم در اولویت قرار گیرد و پیگرد و دستگیری وی اهمیت بیشتری داشته باشد. در واقع سبک زندگی برخی از زندانیان آزادشده به گونه‌ای است که پس از آزادی جز به تکرار جرم به چیز دیگری فکر نمی‌کنند. گابریل تارد^۱ نیز معتقد است که اعمال و رفتار هر فرد در جامعه یا اجتماع ناشی از تقلید است. افراد با تقلید از عادات دیگران روابط اجتماعی خود را برقرار می‌کنند. حافظه، هوش، آداب و رسوم در تقلید نقش مؤثری ایفا می‌کنند. تحولات اجتماعی از قبیل تحول قدرت‌ها، تحولات مذهبی، حقوقی، اقتصادی، اخلاقی، هنری، زبان و بالاخره شیوه زندگی ناشی از تقلید است و تقلید گاهی منطقی و تابع عقل است و احساسات در آن مؤثر نیست و گاهی تقلید غیرمنطقی و تحت تأثیر خواهش‌های درونی و احساسات صورت می‌گیرد (احمدی، ۱۳۹۶، ص. ۹۸). زندانیان آزادشده اعتراف کرده‌اند که مسیر زندگی آنان کلاً جرم‌خیز است و نمی‌توانند بدون ارتکاب جرم زندگی کنند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

«من از بچگی همش دور و برم خلاف بوده. پدرم به خاطر قاچاق مواد زندان بود و مادرم مواد می‌فروخت که خرج ما رو دربیاره. من اصلاً از بچگی فقط با همین چیزا سروکار داشتم. حتی مریض می‌شدیم ما را دکتر نمی‌بردن و می‌گفتن بیا دود تریاک می‌دیم خوب می‌شی» (کد ۱۲).



شکل ۱. مدل کنش تکرار جرم

تکرار جرم کنشگران زندانی چه به مثابه کنش اجتناب‌ناپذیر، چه کنش کمال‌گرایانه، چه کنش اجتماعی و چه کنش عقلانی در نظر گرفته شود، با توجه به شرایط زمینه‌ای (شامل الگوی رفتاری تحقیرآمیز و بی‌اعتمادی، مشکلات اقتصادی، نبود فرصت کاهش جرم در جامعه و الگوی رفتاری انگ زنی)، شرایط علی (شامل ویژگی‌های فردی، الگوی رفتاری مجرمانه، طبقه اجتماعی و سرگذشتگی زنان)، شرایط مداخله‌گر (شامل باورهای کمال‌گرایانه، روابط زناشویی و شالوده‌شکنی دینی) و استراتژی‌ها (شامل الگوی رفتاری عدالت‌محور، زیرساخت‌های حمایتی) و پیامدهای استفاده‌شده توسط گروه‌های مختلف مشارکت‌کنندگان و پیامدها (تشدید بحران هویت و طرد اجتماعی و بدبینی)، در شکل ۲ در قالب مدل پارادایمی نشان داده شده است.



شکل ۲. مدل پارادایمی تکرار جرم زندانیان

۴. ۵. مقوله هسته

همچنانکه شرح داده شد، ۱۵ طبقه میانی براساس راهنمای ارتباط شرطی توصیف شدند. با توجه به راهنمای ارتباط شرطی چهار طبقه اصلی شامل کنش عقلانی، کنش اجتماعی، کنش کمال‌گرایانه و کنش اجتناب‌ناپذیر شناسایی شد. سپس ارتباط بین طبقات اصلی برای توسعه طبقه مرکزی با استفاده از ماتریکس کدگذاری انعکاسی انجام شد و مقوله مرکزی «تکرار جرم به مثابه بن بست برای جبران زندگی از دست رفته» حاصل شد.

براساس گفته‌های مشارکت‌کنندگان، کنش عقلانی براساس این فرض استوار است که مشارکت‌کنندگان که طبقه اجتماعی پایین و متوسط دارند، از آنجاکه قبلاً دستگیر و محکوم شده‌اند، به شدت دچار بحران هویت هستند و درمورد توصیه‌های دینی نیز دچار تعارض

هستند. آن‌ها قاچاق مواد را گناه نمی‌دانند؛ چون وضعیت زندگی آنان بعد از آزادی از زندان به قدری اسفبار است که دچار سرگشتگی می‌شوند و انتخاب دیگری جز تکرار جرم ندارند و حتی اگر مدتی هم دنبال خلاف نروند، باز چیزی تغییر نمی‌کند؛ چون آنان در محاکمه قبلی اموالشان مصادره شده است، هویت فردی و اجتماعی خود را از دست داده‌اند و هرکدام با ویژگی‌های فردی خاصی که دارند، فقط به تکرار جرم فکر می‌کنند.

کنش اجتماعی به‌عنوان ابتدایی‌ترین عنصر مشترک زندگی اجتماعی بشری دربرگیرنده مجموعه رفتارهایی است که انسان‌ها برای رسیدن به اهداف معین در قبال یکدیگر انجام می‌دهند. کنشگران اجتماعی در این پژوهش معتقدند، در شرایطی که جامعه ما را نپذیرفته است، باید یا به کلی منزوی شد و در گوشه انزوا به زندگی سخت خود ادامه داد یا برای برگشتن به روابط اجتماعی باید خود را تجهیز کرد که شرایط الحاق به روابط اجتماعی موجود باشد، اما این کنشگران اولین چیزی را که در نظر می‌گیرند، به دست آوردن منابع مالی ازدست‌رفته است؛ زیرا فکر می‌کنند که با جبران مشکلات اقتصادی و به دست آوردن منابع مالی ازدست‌رفته قادر خواهند بود که منزلت اجتماعی ازدست‌رفته را نیز بازسازی کنند و در واقع پول و امکانات مالی را جزو عواملی می‌دانند که می‌توانند عزت ازدست‌رفته آن‌ها را به جامعه برگردانند؛ در نتیجه تصمیم می‌گیرند که دوباره دست به خلاف بزنند و جرم را تکرار کنند. در واقع سرمایه اجتماعی چنین افرادی در جامعه صفر است. کنشگر با نفی هر نوع عدالت اجتماعی، جرم خود را تکرار می‌کند.

کنشگران کمال‌گرا در این پژوهش کسانی هستند که ارزش فردی خود را به موضوعی وابسته می‌دانند که در جست‌وجوی رسیدن به آن هستند و باور دارند که دیگران نیز بر همین اساس آن‌ها را قضاوت می‌کنند؛ بنابراین هدف آنان فقط رسیدن به ایده‌آل‌های مطلق است که برای خود ترسیم کرده‌اند؛ پس زندگی تجملاتی برای آنان هدف اصلی است و نمی‌توانند مثل بقیه به صورت عادی زندگی کنند و طالب رفاه مطلق برای خود و خانواده‌اند

تا زندگی مصادره شده را جبران کنند. در بین مشارکت‌کنندگان این پژوهش کسانی بودند که تا هفت بار نیز سابقه داشتند.

کنش اجتناب‌ناپذیر یعنی کنشگر ناچار و ناگزیر است در شرایطی عملی را انجام دهد. شرایط ویژه مشارکت‌کنندگان در این تحقیق این است که از طبقه پایین اجتماعی و متوسط پایین بودند؛ یعنی کسانی که از کودکی در زندگی خود رفتاری مجرمانه را تجربه کردند. از طرفی در جامعه ایران به جای اینکه فرصت کاهش جرم در جامعه باشد، فرصت افزایش جرم در جامعه وجود دارد؛ بنابراین از نظر کنشگران، جامعه ایران جرم‌خیز است و آنان را به سمت تکرار جرم سوق می‌دهد. کنشگران این تحقیق همه کسانی بودند که در دفعات قبلی مجرمیت خود تمام دارایی، منزلت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، اعتقادات مذهبی و حتی خانواده خود را از دست داده بودند و در واقع چیزی برای از دست نداشتند؛ زیرا به بن‌بست زندگی رسیده‌اند. کسی که چیزی برای از دست دادن ندارد و تقریباً یک فرد تهی شده و بی‌ارزش از نظر جامعه، خانواده و حتی خودش است، چاره‌ای ندارد جز اینکه یا زندگی از دست‌رفته را با تکرار جرم جبران کند یا نابود شود. کنش اجتناب‌ناپذیر، انتخاب بین بد و بدتر است که در هر صورت نابودی فرد را تضمین می‌کند، اما کنشگر برای خود هیچ گزینه‌ای جز تکرار جرم نمی‌بیند. در نهایت براساس درک و تفسیر کنشگران و تحلیل داده‌ها، مقوله مرکزی «تکرار جرم به‌مثابه بن‌بستی برای جبران زندگی از دست‌رفته» استخراج شد.

مقوله هسته نهایی

تکرار جرم به‌مثابه بن‌بستی برای جبران زندگی از دست‌رفته

شکل ۳. مقوله مرکزی حاصل از تحقیق کیفی

۴.۶. نظریه مبنایی پژوهش

تکرار جرم کنشی است که از حوزه فکری فرد با توجه به شرایط کنشگر نشئت می‌گیرد. درک و تفسیر کنشگران از تکرار جرم براساس هرکدام از کنش‌های عقلانی، کنش اجتماعی، کمال‌گرایانه و اجتناب‌ناپذیر که باشد، حاصل این تفسیر کنشی به نام تکرار جرم است.

قضیه اول: اگر تکرار جرم زندانیان آزاد شده،

الف- در نتیجه کنش عقلانی باشد، زندانی آزاد شده سود خود را در تکرار جرم می‌بیند؛

زیرا منفعت مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رفتار افراد است؛

ب- در نتیجه کنش اجتماعی باشد، زندانی آزاد شده برای برگشتن به روابط اجتماعی

نابود شده باید منابع مالی از دست‌رفته را از طریق تکرار جرم به دست آورد؛

ج- در نتیجه کنش کمال‌گرایانه باشد، زندانی آزاد شده برای ساخت زندگی ایده‌آل خود

آنقدر جرم را تکرار می‌کنند که یا به هدف خود برسد یا بمیرد.

د- در نتیجه کنش اجتناب‌ناپذیر باشد، زندانی آزاد شده ناچار و ناگزیر از تکرار جرم

است، زیرا مدام با موانع جدید برای بازگشت به زندگی عادی مواجه است.

قضیه دوم: فقدان عدالت اجتماعی و فقدان زیرساخت‌های حمایتی دولت تسهیل‌کننده

تکرار جرم در کنشگران است.

در جامعه‌ای که عدالت اجتماعی برقرار باشد، افراد جامعه انسانی از حیث انسانیت و

کرامت و حقوق انسانی مساوی‌اند و همگان در برابر قانون یکسان‌اند. مشارکت‌کنندگان بیان

کردند که عدالت در مورد آنان رعایت نشده است. همچنین آن‌ها معتقد بودند که دولت بیشتر

وقت و هزینه خود را صرف اقدامات تنبیهی و مجازات مجرمان می‌کند و برای پیشگیری از

تکرار جرم هیچ برنامه مدونی ندارد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این مطالعه برای کشف تفسیر و درک زندانیان قاچاقچی از تکرار جرم در شهر کرمان

در پارادایم تفسیری، از رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای استفاده شد. بعد از مراحل

کدگذاری، ۱۵ طبقه میانی و ۴ طبقه اصلی حاصل شد. طبقات میانی شامل الگوی رفتاری تحقیرآمیز و بی‌اعتمادی، روابط زناشویی، طرد اجتماعی و بدبینی، نبود فرصت کاهش جرم در جامعه، تشدید بحران هویت، شالوده‌شکنی دینی، سرگشتگی زنان، الگوی رفتاری انگ‌زنی، زیرساخت‌های حمایتی، مشکلات اقتصادی، الگوی رفتاری مجرمانه، الگوی رفتاری عدالت‌محور، باورهای کمال‌گرایانه، ویژگی‌های فردی و طبقه اجتماعی است. سپس پژوهش کیفی به سنخ‌های تکرار جرم براساس تکرار جرم به‌مثابه کنش عقلانی، تکرار جرم به‌مثابه کنش اجتماعی، تکرار جرم به‌مثابه کنش کمال‌گرایانه و تکرار جرم به‌مثابه کنش اجتناب‌ناپذیر منتج شد.

تفسیری که زندانیان برای تکرار جرم دارند، محل تأمل جامعه‌شناسانه است؛ زیرا تا سال‌ها قبل شاید راحت‌تر می‌شد از تکرار جرم جلوگیری کرد، اما اکنون زندانیان آزادشده در بن‌بستی گرفتار شدند که نبود حمایت دولت و جامعه، همکاری‌نکردن خانواده و مردم، نداشتن وضعیت مناسب مالی برای شروع کسب‌وکاری غیر از قاچاق مواد، نداشتن اعتبار در بین جامعه و سایر موارد، کنشگران را به‌سوی کنش اجتناب‌ناپذیر تکرار جرم سوق می‌دهد. در این تحقیق مشارکت‌کنندگان با هر کنشی سعی بر این داشتند که تکرار جرم خود را از منظری تحلیل و تفسیر کنند. عده‌ای براساس کنش عقلانی، عده‌ای براساس کنش اجتماعی، عده‌ای براساس کنش کمال‌گرایانه و تعداد عده‌ای براساس کنش اجتناب‌ناپذیر جرم خود را تکرار کرده‌اند. در واقع تکرار جرم با کنش اجتناب‌ناپذیر برای زندانیانی است که در کنش‌های عقلانی، اجتماعی و کمال‌گرایانه به این نتیجه رسیده‌اند که کنش اجتناب‌ناپذیر راه آخر برای جبران مافات است و مافات چیزی جز زندگی اذدست‌رفته زندانیان آزادشده نیست؛ بنابراین براساس یافته‌های کیفی، «تکرار جرم به‌مثابه بن‌بستی برای جبران زندگی اذدست‌رفته» کشف شد. مقوله مرکزی حاصل مصاحبه با ۳۴ نفر از زندانیانی است که بیش از یک بار مرتکب قاچاق مواد مخدر شده‌اند، اما این نتایج تعمیم‌یافتنی نیست؛ چون در سطح خرد با روش کیفی به دست آمده است.

پیشنهادهای زیر برای این مطالعه توصیه می‌شود:

درباره روش تحقیق پیشنهاد می‌شود، تکرار جرم به صورت تطبیقی بین‌استانی نیز بررسی شود و نتایج حاصل با هم مقایسه شود. همچنین می‌توان با روش گروه‌های متمرکز تکرار جرم زندانیان را در زندان‌های مختلف سنخ‌شناسی کرد؛

پیشنهاد موضوعی این است که در زندان‌های مختلف و درمورد جرائم مختلف این تحقیق انجام شود؛ چون تکرار جرم درباره سایر جرائم بیشتر است؛ پیشنهادهای کاربردی اغلب از زبان مشارکت‌کنندگان است و می‌تواند راهگشا باشد.

برای تشویق زندانیان به کاهش تکرار جرم باید ابتدا از طریق رسانه‌ها فرایند فرهنگ‌سازی آغاز شده و بر ابعاد زیرساخت‌های حمایتی و کاهش فرصت‌های تکرار جرم در جامعه تأکید شود؛ زیرا امروزه مردم بیشتر از قبل تحت تأثیر رسانه‌ها هستند و بدیهی است که با تأکید بر این دو مسئله مهم و تأکید بر اینکه جامعه برای زندانیان کار ایجاد می‌کند، به افراد مجرم و سابقه‌دار کار می‌دهد و به آن‌ها در جهت تأمین معاش و آینده‌شان کمک می‌کند. اگر این موارد از طریق رسانه ترویج شود، زندانیان سابقه‌دار قاچاق موادمخدر که جرم پرخطری را مرتکب شده‌اند، جرم خود را به راحتی تکرار نخواهند کرد. تأکید بر ابعاد غیرمادی تکرار جرم مثل بازیافت عزت‌نفس، آبروی ازدست‌رفته و ادامه زندگی با رویکرد بازگشت به خویشتن نه فرار از خویشتن توصیه می‌شود. توصیه می‌شود، کانون‌هایی برای حمایت از زندانیانی که به ورزش یا مشاوره پزشکی نیاز دارند ایجاد شود. همچنین آگاه کردن زندانیان قاچاقچی از جرائم معتادانی که توسط موادمخدری که قاچاقچیان فروخته‌اند، دست به دزدی یا قتل زده‌اند، صورت گیرد.

زندان‌ها باید پس از آزادی مأمّن و پناه خود را در سازمان زندان‌ها و در سیستم دولتی جست‌وجو کند، نه در بین قاچاقچیان موادمخدر و پناه بردن مجدد به آنان؛ بنابراین باید امکان دسترسی رایگان زندانیان آزادشده به کلاس‌های مشاوره رایگان فراهم شود؛ حتی برای همسر و فرزندان این افراد هم باید از طرف دولت مشاوره صورت گیرد تا روش برخورد

درست با زندانی آزادشده را بدانند و برای طرح مشکلاتشان بزرگ‌نمایی نکرده و احوال زندانی آزادشده را پریشان نکنند.

بی‌ثباتی روابط خانوادگی زندانیان که زاینده بی‌ثباتی اقتصادی و اجتماعی است، مهم‌ترین ضربه‌ای است که به زندانی در بند و اسارت آسیب می‌رساند و در واقع مقدمات مشکلات بعد از آزادی زندانی پی‌ریزی می‌شود؛ بنابراین لازم است مشاوران با خانواده‌های زندانیان با جرم سنگین و حبس زیاد، در تماس باشند و به آن‌ها در مورد تحمل وضعیت موجود امید دهند تا از گسیختگی خانواده‌های زندانیان جلوگیری کنند؛ زیرا تمام امید زندانیان به ثبات خانواده است تا بتوانند بعد از تحمل سال‌های حبس خود، زندگی را ادامه دهند، نه اینکه برای زندگی از دست‌رفته افسوس بخورند.

از محدودیت‌های این مطالعه، نبود دسترسی راحت به مشارکت‌کنندگان بود. حضور نگهبانان و کارکنان زندان نیز باعث شد که در بیان صحبت‌های خود دچار تردید شوند و باید به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده می‌شد که مشکلی برایشان پیش نمی‌آید و این تحقیق با هدف کمک به روند حل مشکلات زندانیانی مثل آنان انجام شده است.

کتابنامه

۱. احمدی، ح. (۱۳۹۸). *جامعه‌شناسی انحرافات* (چاپ نهم). تهران: انتشارات سمت.
۲. احمدی، س. ع.، و اهرن، ن. (۱۳۹۹). تحلیل عناصر و عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر شکل‌گیری پدیده قاچاق مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان با نگرش سیستمی. *همایش ملی ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی*، مشهد.
۳. افضل‌ی، ر.، ذکی، ی.، و طباطبایی، ع. (۱۳۹۸). چالش‌ها و ظرفیت‌های نواحی مرزی شرق کشور در مقابله با قاچاق مواد مخدر. *نشریه علوم و فنون مرزی*. ۱(۳)، ۲۳-۴۶.
۴. ایمان، م. (۱۴۰۰). *روش‌شناسی تحقیقات کیفی* (چاپ پنجم). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۵. آقامحمدیان شعرباف، ح.، زارع‌زاده خیبری، ش.، حروف قناد، م.، و حکم‌آبادی، م. (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی ابعاد کمال‌گرایی با عملکرد جنسی زنان نابارور. *مجله‌ی زنان و نازایی*، ۱۷ (۹۷)، ۹-۱۷.
۶. باومن، ز. (۱۳۹۷). *عشق سیال؛ دریاب ناپایداری پیوندهای انسانی* (ع. ثابتی، مترجم) (چاپ ششم). تهران: نشر ققنوس.
۷. باهری، م. (۱۳۹۸). *حقوق جزای عمومی* (چاپ ششم). تهران: انتشارات رهام.
۸. بودون، ر. (۱۳۹۶). *منطق کنش اجتماعی: روش تحلیل مسائل اجتماعی* (ع. نیک‌گهر، مترجم) (چاپ چهارم). تهران: توتیا.
۹. ثباتی، ع. (۱۳۹۲). *سنجش رابطه بین الگوهای رفتاری همسران مجرمین مرد و بازگشت مجدد این مردان به زندان (مورد، زندان مرکزی شهر مشهد)* (پایان‌نامه منتشر شده کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی). دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۰. چارمز، ک. (۱۳۹۷). *ساختن نظریه مبنایی-راهنمای کاربردی برای تحلیل کیفی*؛ (م. کاظمی موحد و ح. ر. ایرانی، مترجمان) (چاپ اول). تهران: انتشارات رسا.
۱۱. دریدا، ژ. (۱۳۹۹). *کتاب اسطوره‌شناسی سفید* (م. پارسا و ح. دهقانی، مترجمان). تهران: انتشارات شوند.
۱۲. دفتر مقابله با موادمخدر و جرم ملل متحد، تاریخ بازیابی ۲۰ تیرماه از <https://www.unodc.org/islamicrepublicofiran>
۱۳. ردارنیا، خ.، و سالاری شهرباکی، م. (۱۳۹۸). واکاوی پیشگیری از جرائم در ایران با تمرکز بر نظریه سیستمی در علوم سیاسی. *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۷ (۲۷)، ۷۴-۴۳.
۱۴. ریتزر، ج. (۱۴۰۰). *نظریه جامعه‌شناختی* (ه. ناییبی، مترجم) (چاپ هشتم). تهران: نشر نی.
۱۵. سپاهی، ف. (۱۳۹۶). بررسی علل قاچاق موادمخدر در مرزهای ایران و پاکستان و ارائه راهکار برای مبارزه با این جرم. *اولین همایش بین‌المللی فقه و حقوق، وکالت و علوم اجتماعی*، همدان.
۱۶. سلطانی، ا.، احمدی شاهرخت، ر.، و سلطانی، م. (۱۳۹۴). تأثیر شرایط اقتصادی و توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی شرق کشور بر قاچاق موادمخدر. *کنفرانس بین‌المللی اقتصاد مدیریت و علوم کشاورزی*، بندرانزلی.

۱۷. سلیمی، ع.، و داوری، م. (۱۳۹۶). مجموعه مطالعات کجروی و کنترل اجتماعی - کتاب اول: جامعه‌شناسی کجروی. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. صدیق سروستانی، ر. (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی) (چاپ یازدهم). تهران: سمت.
۱۹. قانع، ا. ر. (۱۳۹۸). نقش نظام زندانبانی در پیشگیری از تکرار جرم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران.
۲۰. قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاح ۱۳۹۶، تاریخ بازیابی ۲۰ تیرماه ۱۴۰۲ از <https://shenasname.ir/laws>
۲۱. کوئن، ب. (۱۳۸۵). مبانی جامعه‌شناسی (غ. ع. توسلی و ر. فاضل، مترجمان) (چاپ هفدهم). تهران: سمت.
۲۲. کی‌نیا، م. (۱۳۹۶). مبانی جرم‌شناسی (جلد دوم، چاپ یازدهم). تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. کیهانی، ف.، آقایی جنت‌مکان، ح.، و جعفری، ف. (۱۳۹۹). علل و عوامل وقوع قاچاق مواد مخدر در بین محکومان شهرستان‌های اندیشک و دزفول در سال ۱۳۸۹. دومین جشنواره تألیفات برتر علوم انسانی اسلامی، تهران.
۲۴. گارو، ر. (۱۳۹۹). مطالعات نظری و عملی در حقوق جز (س. ض. نقابت، مترجم) (جلد اول، چاپ اول). تهران: انتشارات مجد.
۲۵. محمدپور، ا. (۱۳۹۷). ضد روش زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی (چاپ اول، ویراست دوم). قم: لوگوس.
۲۶. نبوی، س. ع.، حسین‌زاده، ع. ح.، و حسینی، ه. (۱۳۸۷). بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و هویت قومی بر اساس امنیت اجتماعی. مجله دانش انتظامی، ۱۰(۲)، ۹-۳۸.
۲۷. نیک‌منش، م. (۱۳۹۱). عدالت اجتماعی. کنگره پیشگامان پیشرفت، تهران.
۲۸. واگو، اس. (۱۳۷۳). درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی (ا. ر. غروری زاد، مترجم). تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی (ماجد).

۲۹. یوسفی، ف.، و خضری مقدم، ن. (۱۳۹۵). هویت فردی و اجتماعی و عوامل مؤثر در بهسازی خود. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران، قم.

30. Abad, N., Carry, M., Herbst, J. H., & Fogel, C. I. (2013). Motivation to reduce risk behaviors while in prison: qualitative analysis of interviews with current and formerly incarcerated women. *Journal of Qualitative Criminal Justice & Criminology: JQCJC/Southwestern Association of Criminal Justice*, 1(2), 347.
31. Ahmed, A. M. (2015). Prison, stigma, discrimination and personality as predictors of criminal recidivism: Preliminary findings. *Journal of Social and Development Sciences*, 6(2), 20-29.
32. Blonigen, D. M., Rodriguez, A. L., Manfredi, L., Britt, J., Nevedal, A., Finlay, A. K., ..., & Timko, C. (2017). The availability and utility of services to address risk factors for recidivism among justice-involved veterans. *Criminal Justice Policy Review*, 28(8), 790-813.
33. Creswell, J. W. (1994). *Research Design: Qualitative & Quantitative Approaches*. London: Sage.
34. Cronje, M., & Peacock, R. (2023). A comparative study of recidivism factors associated with different offense categories in South Africa. *Journal of Ethnicity in Criminal Justice*, 21(1), 56-79.
35. Curran, T., & Hill, A. P. (2019). Perfectionism is increasing over time: A meta-analysis of birth cohort differences from 1989 to 2016. *Psychological Bulletin*, 145(4), 410-429.
36. Eaglin, J. M. (2017). Constructing recidivism risk. *Emory Law Journal*, 67, 59-122.
37. Glaser, B. G., & Strauss, A. (1967). *Discovery of grounded theory, strategies for qualitative research*. London: Weidenfeild and Nicolson.
38. Marshall, K., Forbes, A., Kearns, H., & Gardiner, M. (2008). When a high distinction isn't good enough: a review of perfectionism and self-handicapping. *Australian Educational Researcher*, 35(3), 21-36.
39. Mason, J. (1996). *Qualitative researching*. London: Sage.
40. Neuman, W. L. (1999). *Social research method*. London: Allyn and Bacon.

41. Oluokun, Ch. O. (2008). *A grounded theory study of younger and older construction worker' perceptions of each other in the work place* (Doctoral dissertation). George Washington University, Washington D. C., US.
42. Patton, M. Q. (1987). *How to use qualitative methods in evaluation*. London: Sage.
43. Strauss, A. L., & Corbin, J. M. (2008). *Basics of qualitative research: techniques and procedures for developing grounded theory*. London: Sage
44. Strauss, A., & Corbin, J. (1998). *Basics of qualitative research*. London: Sage.
45. Walsh, A., & Hemmens, C. (2008). *Introduction to criminology: A text/ reader*. USA: Sage Publications.
46. Wikoff, N., Linhorst, D. M., & Morani, N. (2012). Recidivism among participants of a reentry program for prisoners released without supervision. *Social Work Research*, 36(4), 289-299.

